

تدارکات جنگی امریکا برای مداخله نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران همچنان ادامه دارد

نامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۲۳
دوشنبه ۲۹ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۱۲ ربیع الاول ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

الکساندر هیگ وزیر امور خارجه جدید کاخ سفید، در جریان بررسی مسئله انتصاب خود به این مقام، در جلسه کمیسیون امور خارجه مجلس سنای امریکا، اظهار داشت: «ایالات متحده آمریکا باید حضور نظامی خود در منطقه خلیج فارس را افزایش دهد».

وی گفت: «امریکا باید آمادگی داشته باشد که حتی به تنهایی بدون شرکت متحدین خود عمل کند و دسترسی به منابع نفت در خلیج فارس را، که برای امریکا اهمیت حیاتی دارد، تامین کند».

این اظهارات وزیر امور خارجه جدید امریکا تأیید و پیروی از همان سیاستی است که در سال

۱۹۷۸، از جانب کارتر رئیس-جمهور ایالات متحد امریکا، به عنوان «دکترین کارتر» مطرح گردید.

محتوای «دکترین کارتر» عبارت از آنستکه: ایالات متحده امریکا مناطق وسیعی در قاره های مختلف جهان را، که دارای منابع مواد خام، یوریزه منابع نفت هستند، «حریم منافع حیاتی» امریکا اعلام کرده و رسالت دفاع از این مناطق و تامین دست-یابی امریکا به این منابع را به خود تخصیص میدهد و مداخله نظامی در این مناطق را برای تامین چنین دستیابی از وظایف خود میدانند.

البته در تاریخ سیاست خارجی امپریالیسم امریکا از اینگونه «دکترین ها»، مانند «دکترین مونرو»، «دکترین آیزنهاور» و «دکترین نیکسون»، که نشانه های روشن داعیه گستاخانه و

تلاشهای مذبحخانه امپریالیسم امریکا برای استقرار سلطه جهانی و ایفای نقش زاندارمی در جهان است، بی سابقه نیست و سرفروشت همه آنها نیز بر همه معلوم است.

اما این اظهارات وزیر امور خارجه جدید امریکا در مقطع دیگری، یعنی بر زمینه تدارکات جنگی گسترده امریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند، و توطئه ها و طرحهای مداخله نظامی مستقیم آن علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، بیشتر جلب توجه میکند. اظهارات هیگ موید این واقعیت است که خطر مداخله نظامی و حمله مسلحانه امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران همچنان باقیست و برای اجرای چنین مداخله ای، همه جانبه و در مقیاس وسیعی تدارک دیده میشود. نظری به اقدامات و فعالیت های نظامی اخیر ایالات متحده امریکا در

ضرورت تضمین قانونی آزادی فعالیت احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی وفادار به انقلاب

فتیه عالیقدر آیت الله منتظری، ضمن يك مصاحبه اختصاصی با روزنامه اطلاعات (۵۹، ۱۰، ۲۵)، در پاسخ به بقیه در صفحه ۲

جنگ میان رزمندگان انقلاب و تجاوزگران صدامی در جبهه های دزفول، اهواز، آبادان، شوش و دهلران ادامه دارد

اجرای آتش بر روی مواضع دشمن متجاوز در اطراف سه راهی آبادان - ماهنجر، چندین سنگر گروهی و انفرادی، ۵ دستگاه خودرو و یک اتوبوس مہمات متجاوزان عراقی را منهدم و تعدادی از افراد آنان را کشته و زخمی کردند.

۳- روز گذشته شهر آبادان متناوباً زیر آتش توپخانه دشمن قرار داشت، که در نتیجه به یک بیمارستان خساراتی وارد آمد. بقیه در صفحه ۷

هلاکت رسیدند.

۲- روز گذشته قسمتی از شهر قهرمان دزفول زیر آتش توپخانه ارتش کفر قرار گرفت و چند خانه مسکونی ویران شد. در پاسخ این حمله ناجوانمردانه، دلاوران ما با آتش خود یک دستگاه تانک و یک عراده توپ دشمن را نابود و حدود ۲۰ نفر از ارتشیان صدام مزدور را هلاک کردند.

۳- جانبازان ارتش اسلام با

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، طی اطلاعیه شماره ۳۷۷ خود، عملیات رزمندگان انقلاب را طی روزهای ۲۶ و ۲۷ دیماه، چنین اعلام کرد:

۱- برای اجرای آتش نیرو-های مسلح جمهوری اسلامی ایران بر مواضع دشمن در منطقه اهواز یک دستگاه تانک، یک دستگاه نفربر زرهی و ۲ دستگاه خودرو دشمن منهدم شد و حدود ۱۰ نفر از افراد ارتش عراق به

پیام تسلیت

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان - به مناسبت شهادت بیش از ۶۰ تن از پاسداران انقلاب اسلامی ایران

حماسه غرور آفرین مردم انقلابی ایران، همبستگی عظیم تاریخی آنان، دلاوریهای نیروهای مسلح، بیچ مردمی و سپاه پاسداران انقلاب و پایداری قهرمانانه شهرهای پرافتخار خطوط مقدم جبهه - خونین شهر، آبادان، اهواز، دزفول، سوسنگرد، هویزه - تهاجم نظامی داورده تبهکار صدام را با شکست مواجه ساخته است. بقیه در صفحه ۷

چرا حقایق را واژگونه جلوه می دهند؟

آیت الله طالقانی:

«در منزل آیت الله بهبهانی که از علماء درباری بود، تنی چند از نویسندگان هم نشسته بودند که به آنها محرر می گفتند. در منزل ایشان (آیت الله بهبهانی) عده ای دیگر هم نشسته بودند. زمان قبل از ۲۸ مرداد بود. نویسندگان با جوهر قرمز به امضای جمعی حزب توده ایران، برای علماء و ائمه جماعت سرتاسر ایران با پست نامه نوشتند که محتوی آن این بود که «ما بزودی شما را با شالهای سرتان بالای تیرهای چراغ برق به دار خواهیم زد. امضاء حزب توده». آنها آن مطالب را از منزل آقای بهبهانی می نوشتند و می فرستادند.»

(بخش اول از فصل سوم کتاب «طالقانی و تاریخ») مهندس عزت الله سبحانی:

«حزب توده... مذهب را مورد اهانت قرار میداد.» (اطلاعات، ویژه نامه به مناسبت شهادت نواب صفوی، مصاحبه با مهندس سبحانی، ۲۷ دیماه ۵۹)

بقیه در صفحه ۷

خطری که از درون انقلاب را تهدید می کند

انجام وظیفه! مشغول نیستند؟ این هر دو مسئله، تا آنجا برای حفظ، تحکیم و گسترش انقلاب اساسی است، که بی توجهی نسبت بدان میتواند انقلاب را با بقیه در صفحه ۷

دوم آنکه: آیا بازداشت حمید جرایدی و محاکمه او می تواند این اطمینان را پدید آورد که حمید جرایدی های دیگری در مقامات دولتی و غیر دولتی انقلاب رخنه نکرده اند و هم اکنون به

محاکمه حمید جرایدی، جاسوس آمریکایی، که در دوران پس از پیروزی انقلاب توانسته است، بر صندلی معاونت وزارت اقتصاد و دارائی تکیه زند، به پایان رسید. جریان محاکمه او، که در روزنامه ها انتشار یافت، بروشنی نشان داد که این جاسوس سرسپرده امپریالیسم امریکا چگونه به مبین انقلابی خوددشت کرده و اطلاعاتی را، که به علت منصب حساس دولتی خویش به دست می آورده، در ازاء دریافت دستمزد، به جاسوسان مسیاه تحویل میداده است، تا آن فرو-مایکان از این اطلاعات برای تدوین نقشه های شوم خود علیه انقلاب ایران بهره برداری کنند. در اینجا دو مسئله جدی و اساسی وجود دارد:

نخست آنکه: سازمان جاسوسی امریکا بوسیله چه کسانی توانسته بهره های خود را در مقامات حساس جای دهد؟

رفقای توده ای در اردبیل آزاد شدند

رفقا فروغ الدین ابراهیمی و روح اله نظیری، که چندی پیش، بدون دلیل، در اردبیل بازداشت شده بودند، آزاد شدند. ماضی ابراز خوشحالی از آزادی این رفقا، امیدواریم که مقامات مسئول با اتخاذ تدابیر جدی از وقوع حوادثی از این قبیل، که مسلماً به سود انقلاب نیست، جلوگیری کنند.

مناسبات ما با سایر کشورها بر چه پایه باید استوار باشد؟

صفحه ۶

در مقابله با تهاجم امپریالیسم امریکا، خلق السالوادور قهر مانانده می رزمند

خونریزی کثرتی سالوادور، که در ۲۳ مهر ماه ۱۳۵۸ جانترین ژنرال دیکتاتور، کارلوس هومبرتو رومرو، شد، برغم لیبرال نمایی های نخستین در واقع، تامین ادامه سیادت چاوتکرانه ایالات بقیه در صفحه ۲

گزارش های رسیده از السالوادور حاکی از آنست که مردم این کشور تهاجمی همه جانبه را، بر رهبری «جبهه آزادی بخش ملی - فارابوندمارتی»، برای سرنگونی رژیم وابسته و چنانیکار السالوادور آغاز کرده اند.

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

ضرورت تضمین...

بقیه از صفحه ۱
پرسی مبتنی بر «حدود آزادی احزاب و گروهها» گفت:
«اگر بخواهند تبلیغات علیه اسلام کنند، درست نیست آزاد باشند، ولی اگر نمیخواهند علیه اسلام تبلیغات کنند، انسان نباید به آنها کار داشته باشد و اصلاً بطور کلی من عقیده‌ام اینستکه گروهها را سر به سر نباید گذاشت. نیش‌زدن و زوری که آنها را تحریک کنیم و شعار علیه آنها دادن (درست نیست)... بنابراین برخورد ما با گروهها بایستی خصمانه و با جنگ و ستیز باشد... یورش و برخورد خشن... با آنها درست نیست، کار باید، کار عاقلانه باشد.»
این بیان درست آیت‌الله منتظری درباره آزادی احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی وفادار به انقلاب بویژه در روزهایی که «لایحه احزاب و گروهها» در مجلس شورای اسلامی مطرح است، اهمیت ویژه‌ای کسب میکند.
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آزادی فعالیت احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی وفادار به انقلاب را تضمین کرده است. اما متأسفانه در دو سال پس از انقلاب، برخی گروههای خودرو و یا «اشخاص متفرقه»، قانون

اساسی را نادیده گرفته و به ابتکار خود، با چوب و چماق و دشمنی و چاقوبه‌دستی این یا آن حزب، این یا آن سازمان و گروه سیاسی حمله برده، به تخریب ساختمان و غارت اموال و اشغال محل اقدام کرده‌اند، بی‌آنکه در برابر هیچ مرجع قانونی پاسخگویی اعمال خلاف خود باشند. نمونه آن اشغال دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در تهران و برخی شهرستانهاست که از سوی «اشخاص متفرقه!» انجام شد و علیرغم تقبیح این عمل از جانب مقامات درجه اول جمهوری اسلامی ایران، از جمله رئیس‌جمهوری، رئیس مجلس شورای اسلامی، نخست‌وزیر، رئیس دیوانعالی کشور، دادستان کل کشور، امام‌جمعه تهران و ... و علیرغم مسراجمات و دوندگیهای چندین‌ماهه، هنوز خانه حزب توده ایران در تهران و برخی از شهرها با ما مسترد نگشته است.
آری، این حرف درستی است که نباید با احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی وفادار به انقلاب برخورد خصمانه و سرچنگ و ستیز داشت. انقلاب ایران که یکی از وجوه اساسی آن، تأمین آزادی و دموکراسی است، بهر حزب و سازمان و گروه سیاسی وفادار به انقلاب، حق میدهد که در چارچوب معتقدات سیاسی خود و موازین قانونی کشور فعالیت کند. حال اگر قرار باشد که

این وجه مهم از انقلاب ایران هر روز وسیله این یا آن گروهك چماق‌دار، یا یوسیلته «اشخاص متفرقه!» نادیده گرفته شود و به‌صرف تشخیم‌ناقص عقل نارسا و بدتر از آن، تحریک دشمنان انقلاب، کسانی به‌مراکز احزاب و سازمانها و گروهها حمله‌برند و مسئله آزادی فعالیت سیاسی را خدشه‌دار نمایند، میتوان با اطمینان گفت که چنین افراد و چنین گروههایی، آگاهانه یا ناآگاهانه، در خدمت دشمنان انقلاب هستند و خواسته یا ناخواسته، جو هرج و مرج و آشوب و اغتشاش ایجاد میکنند و مانع از آن میشوند که انقلاب در پناه آرامش ناشی از اجرای موازین قانونی، به کار نوسازی جامعه پردازد. بدیهی است که آزادی فعالیت برای احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی به آن معنا نیست که هر گروهك ضدانقلابی اجازه داشته باشد که برای جلوگیری از تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب به فعالیت مخرب خود ادامه دهد و متوقع آن باشد که قانون مانع از فعالیت آن نشود، ولی تازه در چنین موارد و درباره چنین گروهها نیز قانون باید عمل کند و نه «اشخاص متفرقه»، زیرا در صورت درم، کشور به هرج‌ومرج و بی‌نظمی خواهد کشید و رودرروئیا آنکه فزونی خواهد یافت و سرانجام آنکه سود میبرد، باز ضد انقلاب است.

در جمهوری اسلامی ایران احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی که به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران وفادارند و قانون اساسی جمهوری اسلامی را پذیرفته‌اند، میتوانند و باید در کنار هم فعالیت کنند و در مبارزه علیه امپریالیسم و رارتجاع جهانی، بسرکردگی آمریکا - دشمن اصلی - و نوسازی میهن انقلابی در یک راستا و هماهنگ اقدام نمایند. تنها در چنین صورتی است که هم راه بر انحصارطلبی‌ها بسته‌خواهد شد و هم پیروزی بر دشمن اصلی و شالوده‌ریزی و نوسازی جامعه‌ای که محرومان و مستضعفان در آن حاکم بر سرنوشت خویش باشند، تسهیل خواهد گردید.
ناباید به هیچ‌گروه و هیچ‌مقامی اجازه داد که قانون را نادیده بگیرد و سلیقه‌ها و خوش‌آمدن‌ها و بدآمدن‌های خویش را بر جامعه حاکم سازد. نباید هیچ‌گروهی و هیچ‌مقامی حق داشته باشد که اختلاف در مواضع سیاسی و ایدئولوژیک را به چماقی تبدیل کند و بر سر دیگران بکوبد. نباید هیچ‌گروه و هیچ‌مقامی اجازه داد که اختلاف در «مکتب» را وسیله سرکوب سایرین قرار دهد.
در میهن انقلابی ما، مکاتب گوناگون و ایدئولوژیهای گوناگون، بشرط آنکه

وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باشند، میتوانند بنحوسالمت‌آمین در کنار یکدیگر بسر برند و برای اهداف عمده انقلاب، که اهداف اسلام‌راستین انقلابی نیز هست - دوش بدوش هم مبارزه کنند. در جامعه کنونی ایران مبارزه علیه امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا و مبارزه در راه اهداف مردمی انقلاب، یعنی تأمین آزادیها و حقوق دمکراتیک زحمتکشان، اهداف عمده‌اند و تمام احزاب و سازمانهایی که برای تحقق این دو هدف عمده کوشا هستند، باید فعالیت قانونی‌شان تضمین گردد.
مصلحت انقلاب حکم میکند که نه یک دست، بلکه همه دستهای حمایتگر، انقلاب را در پناه خود بگیرند؛ نه یک حزب و گروه سیاسی، بلکه همه احزاب و گروههای سیاسی که وفادار به انقلاب‌اند، تمام استعدادهای و خلاقیت خود را برای رساندن انقلاب بسرمنزل مقصود بکار اندازند. با تضمین قانونی آزادی فعالیت احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و احترام از «بسر خوردن خصمانه» و «جنگ و ستیز» باید امکان داد که در راه پیشبرد انقلاب، همه استعدادها شکوفان و همه دستها امکان عمل یابند. انقلاب چنین میخواهد.

تدارکات جنگی...

بقیه از صفحه ۱
منطقه خلیج فارس و اظهارات مقامات رسمی آمریکا، که با تهدیدهای آشکار و صریح آنان علیه ایران همراه است، واقعیت چنین خطری را آشکارتر میسازد. طبق گزارش خبرگزاری «آسوشیتدپرس»، فرناندس، سخنگوی رسمی و مشاور ریگان، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، اظهار داشت:
«ریگان بلافاصله پس از اشغال مقام ریاست جمهوری باید به ایران اوتوماتیک بدهد و از ایران بخواهد که گروگانها را در ظرف پنج روز آزاد کند، در غیر این صورت ما پس از بحث و مذاکره در کنگره به ایران اعلان جنگ میدهم.»
در همین اظهارات برنامه‌محله به مرحله بمباران منابع و مناطق مختلف ایران و سرانجام هجوم نیروهای مسلح آمریکا به ایران تشریح شده است.
به موازات اینگونه اظهارات تهدیدآمیز مقامات رسمی، رسانه‌های گروهی آمریکا با تبلیغات گسترده افکار عمومی، مردم آمریکا را برای جنگ علیه ایران آماده میکنند.
دوشنبه ۱۶ دیماه ۵۹، شبکه‌های تلویزیونی آمریکا فیلمی از تمرینهای واحدهای نظامی آمریکا، که با استفاده از جنگ‌افزارها و وسائل مختلف و تکنیک جنگی در شرایط صحرائی ایالات آریزونا، کلرادو، نیومکزیکو، نوادا و کالیفرنیا - یعنی نزدیک به شرایط ایران - انجام می‌گیرد، به نمایش گذاردند. در این فیلم شیوه‌های گوناگون عبور از مرز ایران و آماده کردن نیرو با هلیکوپترهای سنگین در سواحل مکزیکو، که شباهت زیادی به سواحل خلیج فارس دارد، نشان داده شد.
از چند ماه پیش واحدهایی از نیروهای مسلح آمریکا به مصر انتقال داده شده، که مشغول آموزشهای زمینی برای پیاده‌شدن در سواحل ایران هستند. طبق

انتقال نیروهای نظامی به جبهه‌های جنگ با عراق تضعیف شده‌اند.

در روزنامه «شرق‌الوسط»، چاپ عربستان سعودی، در روزهای اخیر بر تعداد سربازان آمریکائی در مصر افزوده شده است. در این گزارش آمده است که، وزارت دفاع آمریکا نیروهای آمریکائی را، که برای عملیات جنگی علیه ایران تعیین شده‌اند، در شرایط فوق‌العاده محرمانه در خاک مصر آماده میکند. در میدانهای تیربادگان - های نظامی مصر متجاوز از دو هزار سرباز و افسر آمریکائی مشغول تمرینهای تیراندازی هستند.
طبق اخباری که اخیراً در مطبوعات آمریکا انتشار یافت، تیب هفتم تفنگداران دریائی آمریکا، که پس از شکست آمریکا در ویتنام منحل شده بود، از نو تشکیل شده است. افراد این تیب که مرکب از ۱۲ هزار افسر و درجه‌دار و سرباز است، اکنون در مناطق مشابه با منطقه خلیج فارس، در آمریکا آموزش جنگی می‌بینند. علاوه بر این، اخیراً سه ناو جنگی آمریکائی که ۱۸۰۰ افسر و سرباز سرنشین دارند، از دریای جنوب چین رهسپار اقیانوس هند شده‌اند، تا به ناوگروههای آمریکائی در این منطقه بپیوندند. در حال حاضر ۳۴ فروند ناو جنگی در آبهای خلیج فارس و آبهای مجاور آن استقرار یافته‌اند. بر این گزارش دیگر، هفت ناو جنگی از دره احتیاط خط مقدم، که ماموریت دارند یگانهای تفنگداران دریائی آمریکا را از لحاظ اسلحه و مهمات و دیگر وسایل جنگی در طول چند هفته تأمین کنند، در اقیانوس هند مستقر شده‌اند.
از سوی دیگر، مطبوعات آمریکا از روی طرحهای گوناگون مداخله نظامی آمریکا علیه ایران پرده بر میدارند. روزنامه «نیویورک تایمز» در این باره می‌نویسد:
«پنتاگون در نظر دارد به تهران و اصفهان ضربه هوائی بزند، زیرا یگانهای نظامی مستقر در منطقه این دو شهر به علت امریت مرم و حیاتی.

در مقابله با تهاجم امپریالیسم آمریکا، خلق السالوادور...

بقیه از صفحه ۱
متحد آمریکا را بعهدہ داشت. در پیش از یکسالی که از فرمانروایی این خونتای وابسته و خونخوار میگذرد، رژیم نامبرده راه‌آوردی جز فلاکت و اختناق بیسابقه برای مردم السالوادور نداشته است. از اینروست که خلق السالوادور، متحد و رزمجو، اینک بپا خاسته است تا بساط ستم و جنایت خونتای برچیند و خویشتن را برای همیشه از داروسته فرمانروا و وابسته به امپریالیسم آمریکا نجات بخشد.
دولت ایالات متحده آمریکا نیز که موجودیت خونتای سرسپرده و چشم‌انداز غارتگری خود را در خطر می‌بیند، مانند همه‌جا و همه وقت، که خلقی دیاری، مقابله با سلطه سوم امپریالیسم آمریکا و نوکراتش را نشان دهد، به راهمه افتاده است و سیل تسلیحات و کارشناسان خود را به السالوادور تشدید کرده است.
«کمک‌های پنتاگون» به خونتای السالوادور چیز جدیدی نیست. آمریکا مدت‌هاست که نه تنها میلیونها دلار به رژیم دیکتاتوری اعتبار و اسلحه میدهد، بلکه صدها کارشناس نظامی و دهها جاسوس «سیا» را به السالوادور گسیل میداشته است، که در «پیکرد شورشیان» شرکت مستقیم داشته‌اند. آنچه «تازه» است، ایجاد است که این «کمک‌های شتاب‌زده و پیوسته در روزهای پیش بخود گرفته است و از احتمال ماجراجویی دیگر در این کشور آمریکای مرکزی سخن میگوید. تنها در روزهای اخیر دهها کارشناس نظامی آمریکا وارد السالوادور شده‌اند، تا جنایات هولناک رژیم را علیه خلق رهبری کنند. از جمله این جنایات، بمب‌های ناپالم و سلاح‌های شیمیایی است، که در مناطق آزاد شده، علیه مردم بکار میرود.
بگزارشی دیگر، تفنگداران دریایی آمریکا در پورتوریکو اینک به تمرین عملیات مداخله مسلحانه مشغولند. اکنون ناوگروه دریایی آمریکا، مرکب از ۸ ناو جنگی در امتداد سواحل السالوادور گشت می‌زند و یگانهای تفنگداران دریایی آمریکا در این منطقه به حالت آماده‌باش درآمده‌اند.
رسانه‌های گروهی ایالات متحده به‌برده از آن سخن میگویند که دولت آمریکا قصد دارد، برای نخستین بار پس از جنگ ویتنام، از نیروهای مسلح آمریکا در السالوادور استفاده کند. چند روز پیش، کارلوس تورس، یکی از فرماندهان «رهبری متحد انقلابی» (درو) در مصاحبه‌ای با یکی از روزنامه‌های مکزیک گفت:
«کارشناسان نظامی آمریکا در السالوادور از همان تاکتیک‌هایی استفاده می‌جویند، که زمانی در ویتنام بکار می‌گرفتند. آنها روستائیان یگانه را با هلیکوپتر و هواپیمای زیر آتش می‌گیرند و

مجمع الجزایر «سی شل» «بهشت روی زمین» آزاد شد

موقعیت کلی جزایر سی شل

مجمع الجزایر سی شل، که از نظر زیبایی فوق العاده طبیعت، به «بهشت روی زمین» معروف شده است، از ۹۲ جزیره کوچک و بزرگ، با جمعیتی حدود ۷۰ هزار نفر تشکیل شده است. این جزایر، با مساحتی حدود یک میلیون کیلومتر مربع، در شرق آفریقا، در اقیانوس هند واقع شده اند و دارای آب و هوای معتدلی هستند، به طوری که دمای هوا در تابستان از ۳۰ درجه بالاتر نمی رود. و در زمستان از ۲۵ درجه پایین تر نمی آید. تنها شهر بزرگ این جزایر، «ماهه» نام دارد که چهارپنجم جمعیت مجمع الجزایر را در خود متمرکز کرده است.

تضاد در رهبری مجمع الجزایر سی شل

حدود ۱۵۰ سال پیش، استعمارگران انگلیسی، به دنبال همپالکی های فرانسوی خود، وارد این جزایر شدند، تا کیسه طمع خود را از کار و زحمت و منابع مردم این سرزمین



این کودکان که برای نخستین بار به روی نیمکت مدرسه نشسته اند و به رایگان تحصیل می کنند، سازندگان آینده جمهوری «سی شل» اند.

زیبا و غنی بزرگ کنند. در آخرین سال های تسلط استعمارگران انگلیسی، امور ملکی در دست دو حزب اصلی بود: یکی حزب متحد خلق سی شل که در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳) و توسط «فرانس آلبر رنه» بنیان گذاری شد دیگری «حزب دمکراتیک سی شل». هدف «حزب متحد خلق سی شل»، که در کنگره سال ۱۹۷۰ تصریح شد، طرد کامل استعمار و پیاده کردن نظام سوسیالیستی در درازمدت بود، در حالی که «حزب دمکراتیک سی شل» هدفی جز دفاع از منافع بزرگ مالکان و بورژوازی سی شل نداشت. حزب اخیر همچنین طرح ادغام این مجمع الجزایر را در «کشورهای مشترک المنافع بریتانیا» دنبال می کرد و به همین جهت نیز از پشتیبانی سیاسی و مالی وسیع امپریالیسم انگلستان برخوردار بود. ولی چون این حزب نمیتوانست صریحا شعار «نفی استقلال» و تأیید «وابستگی» را سر دهد، بالاخره پس از تردید بسیار، مسئله «استقلال» را در برنامه خود گنجانید.

در ژوئن سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳)،

سرود ملی جمهوری سی شل میگوید: «ما هرگز از مبارزه دست نخواهیم کشید. تساوی برای همه، آزادی برای همیشه».

رهبر «حزب دمکراتیک سی شل» مانشام، به ریاست جمهوری انتخاب شد و در همان حال فرانس آلبر رنه به نخست وزیری برگزیده شد. مانشام، گرچه به ظاهر از حقوق خلق دفاع می کرد و شعارهای خلقی بر زبان می راند، ولی در عمل رشته های پیوند خود با بریتانیا را تحکیم بخشید و با جدیت طرح الحاق جزایر زیبای سی شل را به بریتانیا دنبال می کرد. وی تصمیم داشت که این جزایر را به بهشت سرمایه داران و میلیونها غربی تبدیل کند. او نام جزایر را «عشق و آزادی بدون محدودیت» گذاشته بود، که در آن کازینوهایی برای خرج کردن پول سلاطین سیم و زرو میلیونها غربی وجود داشته باشد تا از این راه کیسه بزرگ مالکان و صاحبان هتلها پر

تعلیل شدند و مغازه ها بستند. زندگی بطور کلی فلج شد. سازماندهی مجدد سیستم آموزش کشور، این میراث استعمار، در مرکز این درگیری ها و عمده ترین بهانه ارتجاع برای مقاومت در برابر اصلاحات گسترده و بنیادی اجتماعی - اقتصادی بود. در سیستم آموزشی استعماری، نقش دختران، آموزش «آداب معاشرت خوب» بود که، با کمک آن، بتوانند بعدها در انگلستان، یا آفریقای جنوبی، یا در کشورهای اروپای غربی، به عنوان خدمتکار شغلی بیابند. به سران نیز اصول خدمت به توریست های پولدار آموخته میشد. واضح بود که این سیستم آموزشی به هیچ وجه درخور رشد اجتماعی - اقتصادی کشور و نیاز شدید به متخصصین داخلی، نبود. آموزگاران که توسط استعمارگران، اغلب از میان مرفه ترین قشرهای جامعه استخدام می شدند، با نظری فوق العاده ناخوشایند و انتقادآمیز به دگرگونی های بنیادی «جبهه» مینگریستند.

«جبهه» در زمینه آموزش، یک برنامه ده ساله را تدوین کرد. هدف اصلی این برنامه این بود که جوانان ۹ سال آموزش رایگان و سپس یک سال دوره کارآموزی برای تکمیل معلومات عمومی و انتخاب یکی از شغل های مورد نیاز جامعه، از قبیل ماهی گیری، آماده کردن نارگیل، دام پروری، جنگلداری و... را بگذرانند و سپس یا به تحصیل خود ادامه دهند و یا در تخصص خود مشغول کار شوند. این برنامه به طور ناکهانی ابداع نشده بود. «حزب» از همان موقع که در اپوزیسیون قرار داشت، نیاز به دمکراتیزه کردن نظام آموزشی را به طور مرتب متذکر میشد. «حزب» یک سال پیش از به دست گرفتن قدرت چنین تصریح میکرد: «کودکان و نوجوانان نباید نقش آینده خود را در جامعه سوسیالیستی بشناسند. آنان نباید فقط راه درآوردن پول و یا چگونگی شرکت در مسابقه دیوانهوار استثمار و مال پرستی را بیاموزند».

و دقیقا همین سمت گیری دمکراتیک بود که واکنش ارتجاع را در این زمینه نیز برمی انگیزد. از همان ابتدا مشخص بود که فقط مساله آموزش

بولتر و مراکز عیش و نوش پررونق تر شود.

خلق انتخاب می کند

اما تمام این نقشه ها در ۲۵ ژوئن ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) با انتخاب فرانس آلبر رنه، توسط مردم سی شل، به ریاست جمهوری، به هم خورد. هنگامی که وی زمام حکومت را به دست گرفت، برنامه گسترده ای برای دگرگونی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، که از طرف اکثریت مردم پشتیبانی می شد، ارائه کرد. این برنامه، با آراء بی شمار خلق سی شل به آلبر رنه، در هنگام انتخابات ریاست جمهوری، در ژوئن ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) تثبیت شد. مطابق قانون اساسی سی شل، که در همان سال به تصویب خلق رسید، سیستم یک حزبی برای کشور برگزیده شد. حزب متحد خلق سی شل، پس از به قدرت رسیدن، به «جبهه پیشرو خلق سی شل» تغییر نام یافت. در حکومت جدید قوه مقننه تنها به مجلس ملی تعلق دارد، که

دانستنیهای درباره جزایر سی شل

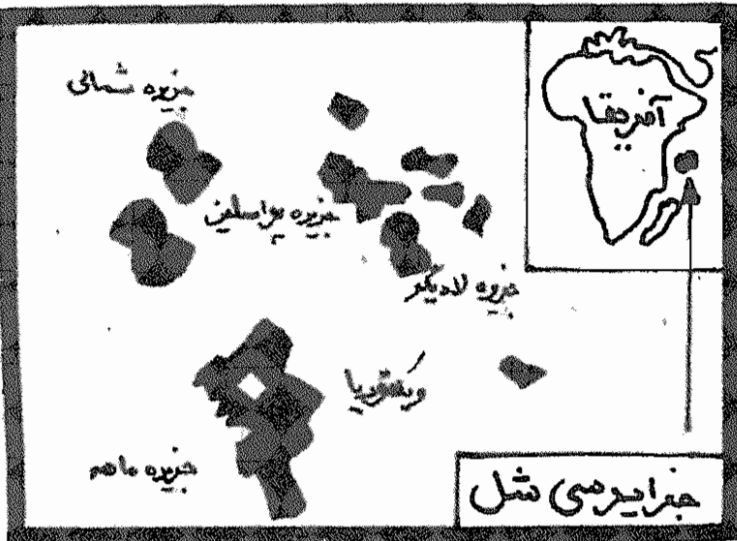
نام: جمهوری جزایر سی شل

مساحت: ۴۰۵ کیلومتر مربع، معادل ۱/۴۰۵۹ مساحت ایران

جمعیت: ۷۰ هزار نفر

پایتخت: ویکتوریا یا ۱۵ هزار نفر جمعیت

زبان: انگلیسی و محلی



و مدارس مطرح نیست. آشوبگران هدف های دورتری را در نظر داشتند. آن ها می خواستند تمام سیاست «جبهه» و دولت را زیر علامت سؤال بگذارند و شکست خویش را در ادامه برنامه های اسارت بار قبلی، جبران کنند و به احیای رژیم گذشته بپردازند. در پی این تلاش ها بود که صبح روز یازده اکتبر ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) فرزندان محافل بزرگنالی به خیابان ها ریختند. آن ها، که قبل از شروع درگیری و تخریب، با آجوب های رایگان همین محافل، کاملاً مست شده بودند، به تخریب مغازه ها پرداختند. به دنبال آن ها، تمام کسانی که اصلاحات بنیادی رژیم جدید منافع شان را به خطر انداخته بود، خود را وارد معرکه کردند. در این تخریب ها از جمله بادبورد زما و با شوهی که به افتخار روز آزادی، یعنی ۵ ژوئیه ۱۹۷۷، برپا شده بود، مورد یورش این اوباشان زر و زور قرار گرفت. دولت برای این که هر گونه بهانه را از دست این آشوب طلبان بگیرد، زمان اجباری بودن کارآموزی برای جوانان را لغو کرد، لیکن همان طور که گفته شد، هدف آشوبگران ایجاد آشوب و تشنج برای سرنگون کردن رژیم بود و نه تنها لغو یک قانون ساده. لذا روز بعد نیز تخریب و آشوب ادامه یافت. این بار پلیس دست به عمل زد و آشوبگران

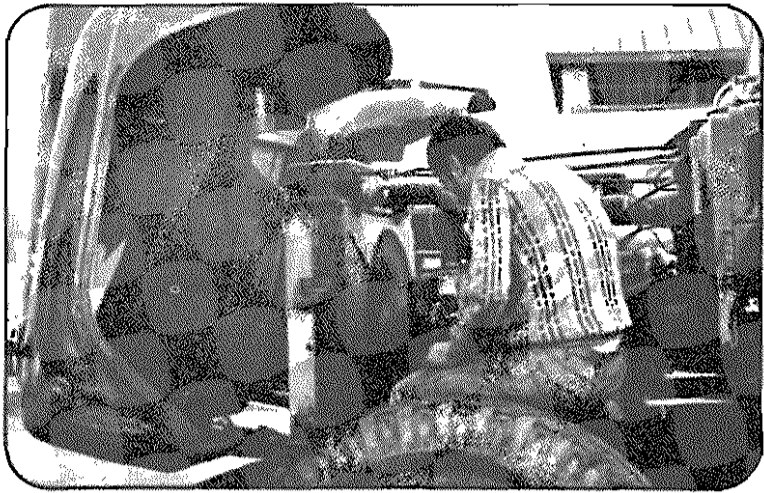
را سرکوب کرد و عده ای از آنان راه زندان افکند. دو روز پس از این وقایع، جزایر سی شل دوباره روی آرامش را به خود دید. پس از این وقایع، مردم سی شل به بحث و تبادل افکار در مورد این حوادث، ریشه آن و مسببین اصلیش پرداختند. نتیجه این بحث و تبادل نظر، بخصوص با توجه به خصوصیت زندگی در این مجمع الجزایر، که همانا شناخت دقیق افراد از وضع زندگی و مواضع یکدیگر است، بیشتر جلب توجه می کند. به دنبال همین بحث ها بود که مردم سی شل دست به بزرگترین راه پیمایی تاریخ این کشور زدند. در این راه پیمایی، اکثریت مردم مجمع الجزایر، که از نقاط مختلف به پایتخت آمده بودند، شرکت داشتند. در این تظاهرات، مردم یک پارچه به سیاست «جبهه» و نیز به دولت برزیدنت آلبر رنه «آری» گفتند و متحداً آشوبگران و اخلالگران در امر پیش برد برنامه های دولت را محکوم کردند. به این ترتیب، یورشی که ارتجاع برای عقیم گذاشتن برنامه های انقلابی دولت آغاز کرده بود، با هوشیاری خلق، به شکست انجامید.

دو روز بعد، جلسه فوق العاده نخستین دوره مجلس ملی آغاز شد. بقیه در صفحه ۶



ماهی گیری یکی از مشاغل سنتی «سی شل» است. اینک ماهی گیران در جمهوری مستقل و آزاد خود بهتر زندگی می کنند.

در کارگاههای مکانیکی و تعمیرات روغن



شرکت‌های بزرگ، لوازم یدکی را اختراع می‌کنند و گرانی مصنوعی بوجود می‌آورند
مردم باید با تمام قدرتشان در مقابل عراق که دستیار آمریکاست، بایستند
مردم باید به کلاسهای بسیج بروند، تا در صورت لزوم برای مبارزه با مزدوران صدام و مقابله با تجاوز امپریالیسم آمریکا آماده باشند

عراق برای این که ما با آمریکا مبارزه می‌کنیم به ما حمله کرده است

توزیع اکثر کالاهای ضروری را بدست گیرد (همانطور که در مورد چند قلم کالای مصرفی چنین عملی صورت گرفته است) مسئله کمبود روغن موتور و سایر احتیاجات مردم تا حدودی بر طرف می‌شود.

جنگ تجاوزگرانه رژیم صدام علیه میهن ما

هر جا که انقلابی رخ می‌دهد، مردم وزحمتکشانشان در صحنه سیاست حضور دارند. دشمنان انقلاب و حاکمیت انقلابی هم، تا زمانی که مردم در صحنه هستند، نمی‌توانند انقلاب را شکست دهند. دار و دسته صدام خائن و امپریالیسم آمریکا، به خیال خود، می‌خواستند با تجاوز به خاک میهن ما، ایران و به ویژه کارگران و سربازان زحمتکش ایران، همچنان پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هستند و از آن در مقابل هرگونه توطئه و تجاوز امپریالیسم و ایستگانش پاسداری می‌کنند.

ظهر کاری کنیم. البته قبلا که مسئله خاموشی مطرح نبود، تا ساعت ۹ شب هم کار می‌کردیم. بیمه هم که نیستیم و اگر مریض شویم باید کلی پول دکتر بدهیم.

لطف علی سپس به مسئله گرانی اشاره می‌کند و می‌گوید: "قیمت‌ها خیلی بالاست. مثلا قیمت ۴ لیتر روغن الان در بازار ۶۰ تومان است، یعنی درست سه برابر افزایش یافته است." مشکل گرانی ما احتیاج عمومی، که به طور عمده میراث رژیم خائن گذشته است و در حال حاضر هم سرمایه داران بزرگ در جهت تشدید آن گام بر می‌دارند، همچنان بر همه لوازم مورد احتیاج روزمره مردم سایه گسترده است. اما با وجود مشکلات ناشی از گرانی اجناس، زحمتکشان ایران همچنان صبر و تحمل می‌کنند تا مقامات دولتی اقدامات لازم را به عمل آورند.

کارگران ایران مسئله مهم را همچنان فائق آمدن بر تجاوزگران صدامی و امپریالیسم آمریکا می‌دانند. علی بهادری کارگر تعمیرگاه مکانیکی در خیابان ابوسعید می‌گوید: "البته ما الان که جنگ است چیزی نمی‌خواهیم، ولی انتظار ما از دولت این است که وقتی جنگ تمام شد، به وضع کارگران مکانیک رسیدگی کند." لطف علی در مورد علت کمبود وسایل یدکی و کمبود روغن، سه عامل را تعیین کننده می‌داند:

۱- یکی جنگ با عراق، دوم اختراع لوازم و ما احتیاج توسط شرکت‌های بزرگ و سوم تحریم اقتصادی ایران توسط امپریالیسم جهانی. در صورتی که دولت بتواند کار

کارگران مکانیکی و کارگاه های تعمیرات روغن، همانند دیگر کارگران ایران، از صبح تا شب کار می‌کنند، ولی از حقوق بازنشستگی، تضمین شغلی، هشت ساعت کار در روز و غیره محروم هستند.

بعد از انقلاب و بخصوص بعد از جنگ تجاوزگرانه رژیم صدام علیه ایران، به دلیل اجرای طرح ترافیک و سپس جیره بندی بنزین، کار مکانیکی ها و کارگاه های تعمیرات روغن به طور نسبی کاهش یافته است.

مشکل اصلی کارگاه های مکانیکی کمبود و گرانی وسایل یدکی است، که علتش اولاً تحریم اقتصادی ایران توسط امپریالیسم است و ثانیاً اختراع این وسایل توسط شرکت های بزرگ داخلی. مشکل اصلی کارگاه های تعمیرات روغن هم، کمبود روغن است.

کارگران این رشته مانند سایر مردم زحمتکش ایران با تمام توان خود از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی می‌کنند و در صف نخست نبرد علیه امپریالیسم جای دارند.

در ارتباط با مشکلات کارگران مکانیک و نظر آن‌ها نسبت به انقلاب و جنگ تجاوزگرانه رژیم صدام، با چند تن از کارگران این صنف گفتگویی به عمل آوردیم.

آقای یوسف لطف علی، که به اتفاق برادرش صاحب یک کارگاه تعمیرات روغن در خیابان حنیف نژاد است، در مورد وضع زندگی خود می‌گوید:

"من و برادرم، که هر دو متاهل هستیم و در یک خانه مستاجریم، ماهانه دو هزار و پانصد تومان کرایه می‌دهیم. هر روز از ساعت ۷ صبح تا بعد از

فروشندهگان کوچک لوازم یدکی "رهنورد" نیز در این مورد درد دل بسیار دارند. آن‌ها از کسانی که در این شرایط جنگی مواد خوراکی و یا وسایل دیگر ضروری را اختراع می‌کنند، شدیداً شاکی هستند و معتقدند که این‌ها یا ضدانقلاب هستند و یا تحت تأثیر ضد انقلاب قرار گرفته‌اند.

از مجموعه مشاهدات ما و سخنانی که تعمیرکاران واحدهای مکانیکی عنوان کردند، می‌توان در یک کلام باطمینان گفت که: این گروه از زحمتکشان ایران نیز، به همراهی همه خلق، در جبهه انقلاب ایستاده‌اند و تا نابودی آمریکا از پای نخواهند نشست.

اما چگونه می‌توان همه این نیروها را در یک جهت به کار گرفت، تقویت کرد و ضمن مبارزه برای دفاع از استقلال و دفع توطئه های امپریالیسم، مشکلات صنفی آنان و خواست های برحق ایشان را تامین کرد؟

در این جاست که خلاء شکل و تجمع زحمتکشان تعمیرکار محسوس است. این زحمتکشان با تشکیل اتحادیه صنفی خویش و در ارتباط تنگاتنگ با مسئولین دولتی جمهوری اسلامی ایران، از طریق نمایندگان انتخابی خویش، می‌توانند کمبود وسایل و لوازم کار و مواد اولیه مورد نیاز خود را برطرف کنند و در جهت رفع محرومیت های رفاهی صنف نیز گام بردارند. با آرزوی موفقیت برای زحمتکشان تعمیرگاه ها.

توفیق حبیبی (باربر بانه‌ای):

دست واسطه‌ها و محترکان را قطع کنید!

صدام دشمن خلق کرد و جمهوری اسلامی ایران است

یکی از زحمتکش‌های امپریالیسم آمریکا برای شکست انقلاب ایران، تکیه بر عوامل داخلی است. در این زمینه نقش قابل توجهی به محترکان ضدانقلابی سپرده است تا با اختراع کالاهای ضروری و ارزاق عمومی مردم، به نارضایتی‌ها دامن بزنند و زمینه توطئه‌های مختلف آمریکا را فراهم آورند.

در این زمینه، خبرنگار ما "مردم" درباره با دو نفر از باربران این شهر گفتگویی انجام داده است.

حسین یوسفی (باربر) در این مورد می‌گوید: "با ۱۲ ساعته، هر دو روز یکبار به لیتر نفت به ما می‌دهند. این نوع توزیع خوب نیست. از توزیع آرد نیز نارضایتی هستیم. باید تقسیم آنها را به عهده افراد دیگری بگذارند."

توفیق حبیبی، یکی دیگر از باربران می‌گوید: "۹ ساعته داریم و توزیع مواد سوختی و روغن صنفی گران‌تر است. با روزی ۳۰ الی ۴۰ تومان درآمد، با این گران‌تر است."

توفیق حبیبی در پاسخ به پرسش خبرنگار ما "مردم" درباره تجاوز رژیم جنایتکار صدام به ایران می‌گوید: "تا آخرین قطره خون خود را برای دفاع از خاک مملکتمان دفاع کنیم، چون صدام دشمن خلق کرد و جمهوری اسلامی ایران است."

ما ضمن جلب توجه مسئولین دولتی در کردستان به این مسئله، از آنها می‌خواهیم که با بخش کوبین و تقسیم درست ارزاق عمومی وسیردن امر توزیع بدست افراد مومن به انقلاب هم‌دست محترکان را کوتاه کنند و هم نارضایتی را در نزد مردم از بین ببرند.

کارگران کارخانه سیمان «لوشان» خواستار برخورداری از امکانات درمانی هستند

ایجاد امکانات درمانی برای کارگران و دیگر زحمتکشانشان تنها با اقدامات بنیادی ممکن خواهد بود

اما اقدامات موری که در حال حاضر می‌توان برای این منطقه انجام داد، عبارتند از:

- ۱- افزودن به تعداد آمبولانس‌های درمانگاه برای رساندن سریع تر بیماران به درمانگاه. چه‌سامکن است در چنین محلی بر اثر سانحه‌ای چندین کارگر آسیب ببینند. بالطبع یک آمبولانس به تنهایی قادر به رساندن کارگران به درمانگاه نخواهد بود.
- ۲- استفاده از پزشک دیگری در همین درمانگاه، تا لااقل بتوان در ساعات بیشتری از شبانه‌روز بیماران را پذیرفت. یک پزشک به تنهایی قادر نخواهد بود در ۲۴ ساعت شبانه‌روز بیماران را تحت مداوا قرار دهد.
- ۳- اقدام برای ایجاد مرکز درمانی دیگری در منطقه، تا با کمک درمانگاه فوق، در پذیرش بیماران تسریع شود و کارگران مجبور نشوند برای مراجعه به پزشک مسافت طولانی را طی کنند.

گردد. بدون کارهای بنیادی نمی‌توان چنین معضلی را حل کرد. از هم‌اکنون باید موسسات درمانی دولتی را در نقاط پرجمعیت شهرهای بزرگ و شهرستان‌ها و در محل‌هایی که زحمتکشانش سکونت دارند، بوجود آورد و در جایی که چنین موسساتی وجود دارند، باید آن‌ها را گسترش داد. باید پزشکان علاقه‌مند به کار در این سیستم را در این مراکز به کار گمارد.

در این مراکز باید همه کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشانش شهر و ده به طور رایگان، چه سربایی و چه به طور بستری، درمان شوند.

باید در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها، بیمارستان‌های دولتی به وجود آورد. این بیمارستان‌ها باید مجهز به آمبولانس و دیگر وسایل درمانی باشند. درمان در این موسسات نیز باید رایگان باشد.

این‌ها قسمتی از کارهای بنیادی است که باید صورت گیرد، که البته بدون برنامه و بدون صرف وقت لازم، غیرممکن است.

چگونگی حل این مسئله به تفصیل در نامه "مردم"، در طرح‌های پیشنهادی حزب توده ایران درباره دگرگونی و نوسازی کشور، آمده است.

در کارخانه سیمان لوشان حدود ۴۰۰ نفر کار می‌کنند. از این عده ۳۲۰ نفر کارگر و قریب ۸۰ نفر کارمند هستند. کارگران این کارخانه در مبارزات قبل از انقلاب، به همراه سایر کارگران میهن‌مان شرکت کردند. حدود ۲۲ روز از کار دست کشیدند و توانستند بعضی از حقوق قانونی خود را بدست آورند.

کار این کارخانه شبانه‌روزی است و کارگران شب کار، طبق قانون کار، اضافه‌کاری دریافت می‌کنند و ایام تعطیلی نیز طبق موازین قانونی است.

مسئله عمده و مهم کارگران مشکل درمانی است. در منطقه لوشان چند کارخانه نزدیک بهم وجود دارند با تعداد جمعیتی که دارد، امکانات درمانی آن تکافو نمی‌کند و باید برای آن راه‌حل اساسی پیدا شود.

در لوشان یک درمانگاه وجود دارد، که در آن فقط یک پزشک خارجی، چند پرستار، یک داروخانه چینی و یک آمبولانس کار می‌کنند. در حالی که کارگران کارخانه سیمان، نیروگاه برق حرارتی، شرکت عابر، کارخانه چسب، کارگران معدن سنگرود، که وابسته به ذوب‌آهن است، و تمامی کشاورزان منطقه و خانواده آن‌ها از همین یک درمانگاه استفاده می‌کنند.

شرایط درمانی نه تنها برای کارگران منطقه لوشان، بلکه برای اکثریت قریب به اتفاق زحمتکشان میهن‌مان بدین منوال است. برای حل این مشکل باید کارهای بنیادی صورت

طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

قاطعیت ارگانهای انقلابی در گزردر کمک به دهقانان زحمتکش می تواند دشت محکمی بر دهان ابوالفضل قاسمی ها باشد

خواهیم توانست دهقانان را آباد کنیم و مزه زندگی انسانی را خواهیم چشید. از مشکلات ده می پرسیم. در جوابمان می گوید:

"آب کم است. تراکتور دارم. برای شخم زدن گران حساب می کند. ما مجبوریم با گاو زمین را بکنیم. محصولمان رانی توانیم خوب بفروش برسیم. خوک ها هم بلای محصولات ما هستند. گرانی هم فشار می آورد. ولی دولت جیره بندی کرده و این خوب است و به نفع ما مستضعفان است، چون تا جرها همه چیزها را احتکار کرده، بعد آرام آرام اجناس را بیرون آورده و گران می فروشند."

حرفهای این دهقان ستم کشیده کم زمین باید همداری برای ارگانهای انقلابی و مقامات مسئول در گزیر باشد، او دریافته است که ابوالفضل قاسمی ها و کسانی که از او پشتیبانی می کنند، زانوهای بی همتا در فکر چپاولگری خود و اربابشان - امیرالیکام آمریکا هستند، موریانه هایی هستند که درون انقلاب را می خورند. باید به همه دهقانان و زحمتکشان در عمل و با عمل کمک کرد تا این را کاملاً درک کنند. این وظیفه نهادهای انقلابی منطقه در گزیر است که قاطعانه به نفع این زحمتکشان روستایی وارد عمل شوند و عملاً مایه پشتیبانی و دلگرمی آنها نسبت به انقلاب و در نتیجه تحکیم پشت جبهه سرد - سرد نبرد با امپریالیسم آمریکا بشوند.

در ۳۳ کیلومتری شمال شرقی شهرستان درگز ۷ کیلومتری بخش لطف آباد روستای کوچکی بنام "حصار" واقع است. اهالی روستا را اکثر دهقانان کم زمین تشکیل می دهند، که هر کدام حدود ۲ الی ۳ هکتار زمین دارند. کمبود آب عاملی است، تا دهقانان نتوانند تمام زمین های خود را به زیر کشت برند. بایکی از دهقانان زحمتکش روستا آشنای شویم. سنش حدود ۴۰ سال است، ولی ۵ ساله بنظری رسد. با سواد کمی که دارد تنهایی توانست بخواند و قادر به نوشتن نیست، نامش محمد رضا است. با او به صحبت می نینیم می گوید:

"این انقلاب بر علیه آمریکا و سوما به داران قد علم کرده، این انقلاب به نفع طبقه ضعیف است. ما باید پشت انقلاب را بگیریم. من زمان انتخابات مجلس، ندانسته به ابوالفضل قاسمی رای دادم، چون می گفتند او با شاه مخالف بوده و طرفدار ضعیفان است. ولی حالامی فهمم که امام طرفدار مستضعفان است و حرفهای قاسمی دروغ بوده. در منطقه ما بسیارند کسانی که هنوز این درک نگرفته اند. من در ده می خواهم به دهقانان ستم کشیده توضیح دهم که اگر پشت انقلاب را نگیرند، باز هم شیطان بزرگ با طاغوتها برمی گردد. باز باید خانه و زندگیشان را رها کرده به کارگری در شهرها بروند. ولی انشاء الله شیطان بزرگ و نوچه اش صدام آمریکائی شکست می خورد و ما

چراغ راه و جهت اصلی کار هیئت های هفت نفری، باید تامین منافع تهیدستان روستا باشد



این پیرمرد بر کس ۷۰ سال از عمرش را روی زمین کار کرده است و هنوز هم بدر می یابد. زمین ها باید مال این دهقانان باشد. (بندر ترکمن)

روغن تراکتور بدهند تا کارکنم. مسئله روغن موتور برای ما سبب های زراعتی یک مسئله بسیار حاد است. که باید دقیقاً و هر چه سریعتر حل شود. از دهقانان ترکمن صحرا در شمال تا دهقانان فارس در جنوب، همه از نبودن روغن شکایت دارند، زیرا تولیدشان وابسته به آن است و کار زراعتی بدون آن میخوابد.

برخلاف روستاهای اطراف گرگان چون امیرآباد، محمدآباد و... که زمین هنوز در اختیار شوراهاست، در اطراف آق قلا و علی آباد وضع بدین منوال نیست. یکی از دهقانان روستای محمد آلیق (اطراف آق قلا) در این خصوص می گوید:

"هی منتظر ماندیم. آنها هم برای تقسیم زمین امروز وفردا کردند، ولی آخر زمین را تقسیم نکردند و هم چنان بلا تکلیف گذاشتند، تا بالاخره آنها راه فتودالها دادند و حالا تراکتور فتودالها شب و روز کار می کند. در اطراف روستای دوجی، در ۵ کیلومتری علی آباد، حدود ۲۵۰۰ هکتار زمین متعلق به زمینداران بزرگی چون سرهنگ فروزانفر، آوانسیان (صاحب سینماهای گرگان و علی آباد) و دیگران است. این اراضی سال قبل همچون سایر زمینهای منطقه، بطریق شوری کشت شدند. در پایان سال نیز به هر خانوار روستایی حدود ۱۱ کیسه گندم دادند و بقیه گندمها، که بیش از ۵ کامیون بود، به شورا تعلق گرفت و از جانب سپاه پاسداران اخذ گردید. ناگفته نماند که محصول پنبه این روستا در این سال یا بین روستائیان تقسیم نگردید و یا کم تقسیم شد. و سرانجام هم بزرگ مالکان آمدند و با اجازه رسمی هیئت هفت نفری، حدود ۷۰۰ هکتار زمین مرغوب این محل را در اختیار گرفتند و مشغول کشت شدند. در جریان در اختیار گرفتن زمین توسط بزرگ مالکان، شوراهای اسلامی محل به مخالفت پرداختند، لیکن از آنجا که زمینداران از جانب هیئت هفت نفری اجازه داشتند، شروع بکار کردند.

روستای دوجی به انضمام روستاهای اطراف، حدود ۵۰۰ خانوار جمعیت دارد. عده ای از این روستائیان می گویند:

"اگر زمین را حالا هم بماندهند ما کشت می کنیم. برخی از مقیاسات بماندند که در سال قبل که زمین را به شما دادیم، محصول کم بود ولی ما میگوئیم اولاً در سال قبل محصول کم نبود و در ثانی در سال قبل امکانات کافی در اختیارمان نبود. ادعای کم شدن محصول در نتیجه مالکیت دهقانان، ساخته و پرداخته عمده مالکان است، تا زمین ها را در دست خود نگاهدارند. آنها خود با پاشکال مختلف خرابکاری می کنند، یا شرایط تولید را نادیده می گیرند، یا به دروغ ادعای کم شدن تولید را مطرح میکنند. هفتصد هکتار از ۲۰۰۰ هکتار باقی مانده در روستای دوجی نیز در اثر بارندگی به زیر آب رفت و هم اکنون نیز برخی از قسمتهای آن غیر قابل استفاده شده است."

ترکمن صحرا از جمله مناطقی از کشور ما است که پس از انقلاب، صحنه درگیریهای حاد بوده است. علیرغم اهمیت مسئله زمین در ایجاد این درگیریها و علیرغم دستورات صریح حجت الاسلام خلیفای در

دشت وسیع سواحل غربی خزر، که به عبارتی آنرا ترکمن صحرا می گویند و به رشته کوههای البرز ختم می شود، از سالهای پیش، بعلت کیفیت خاص زمین آن، بزرگ کشت گندم میرفت. این دشت از جمله عقب مانده ترین مناطق کشور است. در طی سالهای حکومت شاه ملعون، بزرگ زمینداری در این منطقه سرعت رشد کرد، بطوریکه زمینداران بزرگی چون "هزبر یزدانی" در این دشت از اراضی بسیار وسیعی برخوردار شدند.

تسلط بزرگ زمینداران در این منطقه، همچون دیگر نقاط کشورمان، بعلت ماهیت غارتگرانه آنان، لاجرم فقر و فلاکت عمیق توده های مردم را بدنیال داشت.

تاقیل از انقلاب، زمین در اختیار مالکان بزرگ بود و روستائیان بر روی زمینها کار میکردند و محصول نیز به نسبت سهم یک و گاهی نیز چهار به یک (سه یا چهار سهم از آن مالک و یک سهم از آن دهقان) بین مالک و دهقان تقسیم میگردد.

پس از انقلاب، اراضی مدتی به طریق شورایی کشت شدند. لیکن تکلیف زمینها بطور کامل در کل منطقه مشخص نگردید. و در نتیجه مسائل حادی پیش آمد که همگان معترف بودند، یکی از علل اصلی آن، حل نشدن مسئله زمین است. در حال حاضر وضع زمین در ترکمن صحرا برقرار زیر است:

بخشی از اراضی، بخصوص در اطراف گرگان، هنوز بطریق شورایی کشت میشوند، ولی زمین به دهقانان واگذار نشده است. در این روستاها، در سال قبل، بعد از برداشت محصول گندم به هر خانوار حدود ۱۱ کیسه گندم رسید. البته دهقانان این امر را بطور موقت پذیرفتند، لیکن ادامه این وضع مسلماً موجب نارضایتی دهقانان می گردد.

غلام یامری، یکی از دهقانان روستای امیرآباد، که بر سر راه گرگان - آق قلا، واقع است، در این مورد می گوید:

"هشت فرزند دارم، که شرتای آنها به مدرسه میروند. بن در پایان سال تنها ۱۱ کیسه گندم دادند که حتی مجبور شدم برای تامین آذوقه به قرض متوسل شوم. وی پس از اندکی مکث، سخنانش را چنین ادامه می دهد:

"آخر من که کشاورز هستم، مگر می توانم بایازده کیسه گندم خرج یک سال را پیش ببرم؟! به مقامات مسئول مراجعه کردم و وضع خود را گفتم. آنها میخواستند از چهارده هکتار زمین، که سابقاً کشت میکردم، تنها یک هکتار بمن بدهند. آیا نمیشود بجای یک هکتار، سه هکتار بمن بدهند، تا من از این بدبختی و گرسنگی نجات یابم؟ بخدا پیش زن و بچه ام از خجالت هر روز می میرم و زنده میشوم."

وضع این دهقان و نظایر او ناشی از آن است که قانون هنوز تمام و کمال اجرا نشده، تکلیف دهقان بطور قطع روشن نشده، از اشکال تعاونی و کمکهای ضروری دولت برای تولید هنوز استفاده نشده است.

علی بخش کیقبادی، روستایی دیگر روستای امیرآباد، که بر روی تراکتور متعلق به شورانگشته و مشغول شیار زمین است می گوید:

"آقا! به مسئولین بگوئید که حالا وقت کارشکنی در کارمان نیست. اگر لازم است از قند و شکر و نفت و روغن من و خانواده ام بزنند و در مقابل به من

ابتکاری برای تقویت پشت جبهه و تولید بیشتر محصولات کشاورزی

انقلابی متذکر شد و نمازگزاران با فریادهای «الله اکبر» طرح را تایید و آمادگی همه جانبه خود را اعلام کردند. در پایان پرسشنامه های بین افراد توزیع و قرار بر این شد که بعد از برگردن پرسشنامه ها، آنها راه اداره کشاورزی تحویل دهند، تا پس از جمع آوری کامل آنها و اطلاع از میزان کمکهای واصله، «کمیته ضربت کشاورزی نماز جمعه» طرح خود را اجرا در آورد. ما به نوبه خود این اقدام راه که در جهت تقویت جبهه و پشت جبهه است، بخصوص در این زمان که آمیکای جهانخواه بتوسط رژیم جنایتکار صدام مبین انقلابی ما را مورد تجاوز قرار داده است تایید می کنیم. در عین حال ما تاکید میکنیم که یک راه حل اصولی برای حل مسئله زمین و در نتیجه بزرگ کردن هر چه بیشتر آن کاملاً ضروری است و بنابراین از مسئولان امر می خواهیم که هر چه زودتر امکانات لازم را برای واگذاری اراضی وسیع مزروعی تحت تصرف بزرگ مالکان غارتگر، که یفرموده امام خمینی: «مالکان آنها دلیلی بر مالکیت جز ستم قلبی و تصرف عدوانی نداشته اند»، بتوسط هیئتهای هفت نفری واگذاری زمین فراهم کنند تا دهقانان زحمتکش سیستان، که سالها زیر ستم قرار داشته اند، بتوانند خود آزادانه و با فعالیت بیگانه و مستمر، امر جهاد کشاورزی را تحقق بخشند و در راه پیشبرد اهداف انقلاب شکوهمند مبین مان بکوشند.

چندی پیش در محل استادیوم ورزشی شهرستان زابل، نماز جمعه به امامت حجت الاسلام ششمیری و با شرکت گروه های مختلف مردم، از جمله گروه های کثیری از کشاورزان زحمتکش سیستانی، که با وسایل خود به این مراسم آمده بودند، برگزار شد. در حین این مراسم، یکی از مسئولین سپاه پاسداران انقلاب، پس از تشریح وضع موجود در کشور، طرح تشکیل «کمیته ضربت کشاورزی نماز جمعه» را ارائه داد. طبق این طرح، به کمک سپاه پاسداران، جهاد سازندگی و اداره کشاورزی، و همیاری پشتیبانی همه مردم تصمیم بر این گرفته شده است که اراضی مزروعی وسیعی، که بزرگ مالکان سالها بدون کشت رها کرده اند، قبل از اینکه مودع کشت پایتزه بگذرد، یا توجه به کمکهای مالی، وسایل مورد نیاز و نیروی انسانی، که شرکت کنندگان در نماز و دیگر شهروندان ارائه می کنند به زیر کشت برده شود. هدف آنست که در این زمان، که مبین انقلابی ما از طرف شیطان بزرگ - آمریکا و شیطان کوچک - صدام مورد تجاوز قرار گرفته و جنگی تمام عیار راه مان تحمیل کرده اند، بتوانیم پشت جبهه را تقویت کنیم و بر فشارهای ناشی از محاصره اقتصادی شیطان بزرگ و دیگر متحدانش فائق آئیم. سپس امام جمعه در خطبه های خود لزوم همکاری هر چه وسیع تر اقشار مختلف را برای پیاده کردن این طرح

دهقانان زحمتکش گرنیه نیشابور را یاری دهید!

روستای گرنیه در بخش زبرجان نیشابور قرار دارد. جمعیت روستا حدود ۳۰۰ نفر است. روستائیان تهیدست و خرد پای روستا، در سال گذشته، با بزرگ مالک و عوامل و ایادی وی بارها برخورد داشته و دست به اعتراضاتی زده اند. هدف دهقانان زحمتکش از مبارزه، رسیدن به حقی است که سالیان سال به وسیله رژیم خائن پهلوی و زمین داران غارتگر پایمال شده است. آنان تاکنون موفق نشده اند، ولی همچنان می خواهند که در جمهوری اسلامی ایران به حقشان برسند. باید با اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی به خواست آنها پاسخ شایسته داد. باید دهقانان زحمتکش را یاری داد و بنیاد انقلاب بزرگمان را در برابر هر توطئه ای نیرومند ساخت، و این جز با تحقق خواستهای بحق زحمتکشان میسر نیست.

دهقانان کم زمین و بی زمین!

با تشکیل کمیته های خود و اینکه به پاسداران متعهد و انقلابی و ادلسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سر بیاورد و شما اجرا شود.

روستائیان روستای گرنیه هم چنین خواستار برخورداری از امکانات و وسایل کار، ایجاد سواری ده، تامین آب، راه و مدرسه هستند.

مناسبات ما با سایر کشورها بر چه پایه باید استوار باشد

از سخنان امام خمینی خطاب به هیئت دولت:

"... حالا ما وابسته به غیر نیستیم. البته یک احتیاجاتی دنیا به هم دارد. این وابستگی نیست. مثلا ما احتیاج داریم که گندم بخریم. پول می دهیم و گندم می خریم... اینها اسمشان وابستگی نیست... (اینها) مبادلات تجارته است، وابستگی نیست. وابستگی این بود که ما در زمان شاه داشتیم که همد چیزمان را باید آنها بیایند اداره کنند. مستشار بیاید و لشکر ما را اینطور بکنند که کردند و آن طور خرابکاری... الان ایران وابسته به هیچ جا نیست و این بهترین چیز است که جمهوری اسلامی آورده..."

سخن امام خمینی دقیق است. مناسبات با دیگر کشورها، به سرتی که بر پایه برابری کامل حقوق و سود متقابلا عادلانه، برای رفع نیازمندیها در جهت رشد و رقیی مستقل کشور برقرار شود، وابستگی نیست. هیچ کشوری به طور مطلق بی بیار نیست. حتی کشوری مانند آمریکا، که بزرگترین قدرت اقتصادی سرمایه داری پیش رفته است و حتی کشوری مانند سوریه، که بزرگترین قدرت اقتصادی سوسیالیستی پیشرفته

است و رسد اقتصادی خود را بر پایه مباح و قدر نولیدی عظیم درون کشور، طبق برنامه، نامین می کند، به طور مطلق بی نیاز نیست، به طور مطلق خودکفا نیست. "احتیاجاتی دنیا به هم دارد". برقراری مناسبات بین کشورهای مختلف، امری طبیعی، مفید و لازم است. تمام مسئله در این است که ما - جمهوری اسلامی ایران - بواسطه راسا و فارغ از هرگونه اعمال فشار و یا نفوذ سیکانه تصمیم بگیریم، این تصمیم در جهت رشد و سرفی مستقل کشور باشد، و از این موضع با دیگر کشورها، برای رفع نیازمندیهای خود، بر مبنای احترام بی حدسه مقابل نه حق حاکمیت، برابری حقوق، سود متقابلا عادلانه، عدم مداخله متقابل در امور داخلی، مناسبات برقرار کنیم. مفهوم عدم وابستگی و مفهوم استقلال، هر این نیست. اگر کسی بخواهد تحت عنوان حفظ استقلال و جلوگیری از وابستگی، از برقراری مناسبات با دیگر کشورها جلوگیری کند، او، دانسته یا ندانسته، در راه انزوای کشور گام برداشته است، سرفی را رسد، بر سرفی پیشرفت کشور سنگ انداخته است.

چون برقراری مناسبات با دیگر

کشورها، دو طرف دارد، این سؤال مطرح می شود که: آیا برقراری مناسبات بر حقوق ما سود متقابلا عادلانه، ممکن است یا نه؟

برای پاسخ به این سؤال، میباید دیگر کشورهای جهان را به سه گروه تقسیم کرد: کشورهای رسد یافته سوسیالیستی، کشورهای رسد یافته یا امریالیستی. برقراری مناسبات بر حقوق ما دو گروه محسین آسان است و ما گروه سوم، دسوار، ولی در شرایط کنونی جهان غیر ممکن نیست. با کشورهای سوسیالیستی آسان است، چون خود این کشورها حاضرند (و همکاری اعلام کرده اند) و سیاست آنها این است که ما دیگر کشورها، بی قید و شرط سیاسی، بی مداخله در امور داخلی، با احترام متقابل به حق حاکمیت و استقلال، برابری برابری حقوق و سود متقابلا عادلانه، رابطه برقرار کنند. بنابراین، ما می توانیم خود راسا، نوع مناسباتی را که می خواهیم با این کشورها برقرار کنیم، مطرح کنیم، با آنها وارد مذاکره کنیم و از این مذاکره، در هر رسه ای، حسان نتیجه داد که مطلوب ما بود، آن مناسبات را برقرار کنیم و با برقراری چنین مناسباتی، ما می توانیم به سود رسد کشور در

رسمیه های علمی، صبی، صعی، کشاورزی، بازرگانی، فرهنگی و غیره بهره گیری کنیم.

برقراری مناسبات با کشورهای گروه دوم، یعنی با کشورهای رسد یافته سوسیالیستی، این کشورها خود سرمایه داری های مسوعی دارند که برخی از آنها را ما می توانیم بر آورده کنیم. ما که جسم داسی و عری در برقراری مناسبات با آنها داریم، به آسانی می توانیم با آنها، برای رفع نیازمندی های متقابل، رسای برابری حقوق و سود متقابلا عادلانه رابطه برقرار کنیم.

اما کشورهای رسد یافته سرمایه داری یا امریالیستی. کار برقراری مناسبات بر حقوق ما آنها دسوار و بسیار دسوار است، چه با دولت های آنها، چه با شرکتها و انحصارهایی که حواهم یا خواهند، طرف معامله با ما فرار گیرند. سرفی اینان استعمارگر است. سیاست آنها که منجر به وابستگی طرف معامله گردد، سرفی سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی کشوری گردد که با آن مناسبات برقرار می کنند آنها سلطه و غارتگرند. با این همه در شرایط کنونی جهانی، اگر

کشوری مانند کشور ما مناسبات برابر حقوق خود را با دیگر کشورها - از کشورهای دو گروه محسین - حان سرفی دهد که بخواهد با حدود ریادی بی نیاز از معامله و برقراری مناسبات با کشورهای امریالیستی گردد، در حقیقت سرفی، این کشورها و یا انحصارهای امریالیستی، احیانا حاصره س در دادن به برقراری مناسبات بر حقوق و متقابلا سودمند خواهند شد. چون اولاً عملا در حواهمد یافت که طرف بی نیاز است و میباید از برقراری مناسبات با آنها صرف نظر کند، و ثانیاً خود آنها دچار بحران زدگی هستند و نیازمند به برقراری مناسبات، هر چند این مناسبات به غارتگرانه، بلکه حاوی سود کمتری، سود عادلانه سرفی باشد. رسای همین دوعامل است که کشورهای سوسیالیستی میباید با کشورهای امریالیستی مناسبات اقتصادی بر حقوق و متقابلا سودمند برقرار کند و برقرار می کند.

در حال، برقراری مناسبات، از طرف ما - جمهوری اسلامی ایران - با همه دیگر کشورها (بدون استثناء) میبایستی از موضع حفظ بی حدسه استقلال خود، عدم تدیس هر سوع فید و سرفی سیاسی، رسای برابری کامل و سود متقابل باشد.

جزایر سی شل

بقیه از صفحه ۳

تمام نمایندگان پشتیبانی قاطع خود را از دولت اعلام کردند و خواستار بررسی دقیق رویدادهای چند روز اخیر و مجازات مسبب آن شدند.

پیش بسوی سوسیالیسم!

بررسی برای یافتن علل حوادث آغاز شده بود. کنگره "جبهه"، که قرار بود روز ۲۵ و ۲۶ اکتبر ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) برگزار شود به ۹ تا ۱۱ آوریل ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) موکول شد و کنگره سندیکایی نیز عقب افتاد. رهبران "جبهه" تاکید کردند که به هیچ وجه از برنامه "جبهه" دست نخواهند کشید. آنها تاکید کردند که برای آن که این دگرگونیها و تصمیمات غیر قابل بازگشت گردند، باید هر چه زودتر وظایفی که در بیانیه "جبهه" به نام "پیش به سوی سوسیالیسم" اعلام شده بود، با پیگیری دنبال شود. در برنامه از جمله آمده است که از این پس باید:

- ۱) جمهوری جزایر سی شل، به مقابله دولتی که از لحاظ سیاسی و اقتصادی مستقل است، تحکیم شود.
- ۲) سیاست خارجی غیر متعهدی دنبال شود.
- ۳) نظام اجتماعی پیشروئی که متضمن آفرینش سطح بالاتر زندگی برای خلق باشد، پیاده شود.
- ۴) قوانین دادگستری، که بر اصول حقوق بشر و احترام به مساوات انسانها پایه گذاری شده، تحکیم شود.
- ۵) بهترین بهره برداری از منابع طبیعی و خاک کشور ضمانت شود.

علاوه بر این اصول، برنامه فوق وظایف مشخص دیگری را نیز که "بدون اجرای آنها، هر بحثی در باره بازسازی اجتماعی - اقتصادی بر حرفی پوچی بیش نخواهد بود"، مشخص کرده است.

در رسد کشاورزی تأمین ۷۵ درصد فرآوردهها، بین بیسی شده است. برای کاهش وابستگی به خارج در زمینه کشاورزی، "جبهه"

در نظر دارد قانونی بگذراند که بنا بر آن، زمینهای کست رسده را خریداری کند و به کسانی که مایلند

آنرا کست کنند، واگذار نماید. ایجاد مزارع استراکی دولتی و اجرای عملیات آبیاری نیز در این برنامه

سیس مبنی رسده است. در رشته صنعت، تلاشها در جهت توسعه کار آماده کردن نارگیل

سیس می رود، زیرا این بزرگترین منبع درآمد دولت است. این بخش س از مکانیزه شدن، باید یا

تماما در اختیار دولت قرار گیرد و با تحت کنترل آن باشد. انحصار خرید نارگیل نیز از دست بهره برداران خصوصی خارج خواهد شد و در دست دولت خواهد بود. در

رشته ماهی گیری نیز، که بخش مهم دیگری از اقتصاد جزایر سی شل را تشکیل می دهد، "جبهه" توسعه آنرا در جهت منافع خلق بیس مبنی کرده

است. باید توجه داشت که با وجود آبهای پر ماهی در این جزایر، کشتی های خارجی به صید ماهی در آبهای ساحلی جزایر می پردازند، به طوری که دولت مجبور است ماهی وارد کند. توریسیم، یعنی منبع

دیگر درآمد، با برداشت بی کسلی متفاوتی با برداشت ریم قبلی، تنها سهمی در درآمد کشور خواهد داشت. (نه مانند ریم قبلی، که منبع اصلی درآمد می شد).

بیانیه "جبهه" درباره بهداشت همگانی، بیمه اجتماعی و بیکاری نیز پیشنهادهایی در جهت بهبود زندگی مردم ارائه می دهد.

۲ سال مدت کوتاهی است

دو سال برای به اجرا گذاشتن تمام وظایف محسوله، حتی در کشور کوچکی مانند جزایر سی شل، نیز زمانی فوق العاده کوتاه است. گرچه طی این ۲ سال دگرگونیهایی به عمل آمده که بطور کلی مثبت بوده، ولی تغییر طرز فکر قشرهایی از جامعه، که تا دیروز تنها در فکر نروتمند شدن بودند، کاری است پس دسوار. هنوز کسانی هستند که آرزومند احیا "سیسم غیر عادلانه بیسین هستند، ولی خلق سی شل به رهبری "جبهه" با استواری

در راه استقلال، آزادی و پیشرفت در راه رسد غیر سرمایه داری به پس می رود.

"جبهه" از نظر تشکیلاتی تقویت می شود. کمیته مرکزی آن اهمیت زیادی به فعالیتهای محلی می دهد. در حال حاضر ۷۵۰۰ عضو

"جبهه" در ۲۳ تشکیلات مختلف مانند بخش، ناحیه و منطقه فعالیت می کنند. نخستین کنگره "جبهه" روزهای نهم و یازدهم

آوریل ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) تشکیل شد. به این مناسبت، ارگان مرکزی "جبهه" به نام "مردم"، که انتشاراتی یکسال سیس از این تاریخ قطع شده بود، دوباره انتشار

یافت. کنگره وفاداری خود را به برنامه و سمت گیری سوسیالیستی "جبهه" اعلام کرد و دولت را به اجرای بدون وقفه برنامه ارائه رسده موظف نمود. برخی تصمیمات برای بهبود رهبری "جبهه" و فعالیت های دولتی، برای بهبود سازمان های جوانان و نوجوانان، برای

بهبود تبلیغات سیاسی و همچنین برای پیشرفت اقتصاد و فرهنگ گرفته شد. کمیونی نیز برای بوجود آوردن سندیکایی جدید تشکیل شد. کنگره همچنین خطوط اصلی سیاست خارجی "جبهه" را

تایید کرد. پس از اتمام کنگره، وزیر امور خارجه اعلام کرد که: "تلاش های بی گیری جهت نزدیکی و همکاری با کشورهای سوسیالیستی، که برای خلق سی شل متحدین واقعی و مطمئن هستند، انجام می گیرد."

وی همچنین متذکر شد که کشورش از ویتنام قهرمان و کامسوحیا، که برای سرفی صلح و دسراسی در آسیای جنوب سرفی مبارزه می کنند، پشتیبانی می کند.

به این ترتیب، خلق سی شل، که زنجیرهای استعمار را زاره کرده است، می رود تا با قاطعیتی که در مبارزه با امریالیسم ذر سیس گرفته است، آزادی و سوسیالیسم را برای همیشه در مبین خود مستقر کند.

سرفی ملی "سی شل" چنین می گوید:

"مرگ به از زندگی در خواری است. ما هرگز از مبارزه دست نخواهیم کشید. تسایو برای همه، آزادی برای همیشه."

حزب توده ایران - سازمان شهرستان سندج، ضمن تجلیل از دوتن اعضای شهید

هیئت ۷ نفری، عمل جنایتکارانه

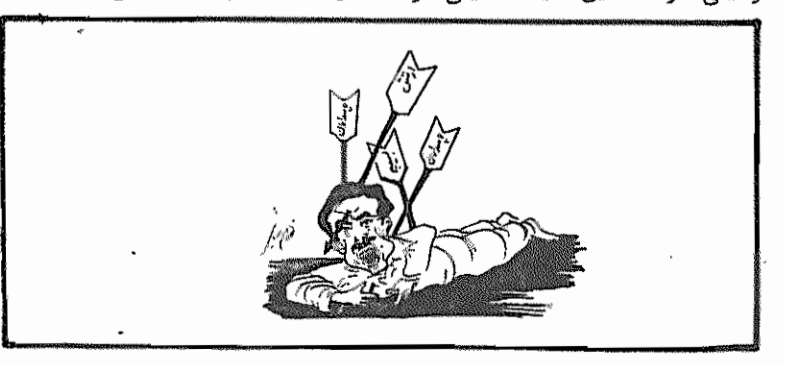
گروهکهای ضد انقلابی را محکوم کرد

زمینه های مهم فعالیت ضد انقلاب از بین خواهد رفت، لذا ضد انقلابیون دست به توطئه جنایتکارانه جدیدی زدند و دوتن از اعضای هیئت هفت نفری را در راه دیوان در دستگیر و به شهادت رساندند.

حزب توده ایران - سازمان شهرستان سندج، ضمن محکوم کردن این جنایت ضد انقلابی و ضد انسانی، شهادت این دوتن مبارز را به تمام مردم مبارز ایران و مردم کردستان و به خصوص اعضای هیئت واگذاری زمین در کردستان تسلیت می گوید. از تمام مردم منطقه و سایر نیروهای انقلابی می خواهد که با تمام قوا برای آزادی بقیه اعضای هیئت بکوشند.

حزب توده ایران - سازمان شهرستان سندج به پیروی از مشی اصلی خود همواره در راه اجرای اصلاحات ارضی عادلانه کوشیده، و از بدو تشکیل این هیئت، از آنان پشتیبانی قاطع نموده و همواره خواستار تشکیل این هیئت در کردستان بوده است، لذا در شرایط کنونی از مقامات جمهوری اسلامی ایران می خواهد که ضمن پیگیری در اجرای مفاد طرح واگذاری زمین و ادامه فعالیت هیئت هفت نفری در کردستان، زمینه هرگونه فعالیت ضد انقلابی را از ریشه بکشاند.

مرگ بر امریالیسم امریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان ا مرگ و نفرت بر مزدوران وابسته به بیعت عراق ا زنده باد جبهه متحد خلق ا



حزب توده ایران - سازمان شهرستان سندج، طی اعلامیه ای به تاریخ ۵۹/۱۰/۱۳، ضمن تجلیل از دوتن اعضای شهید هیئت ۷ نفری، عمل جنایتکارانه گروهکهای ضد انقلابی را محکوم کرد. در اعلامیه آمده است:

"یکی از نهادهای روپیده از انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن ماه، که وظیفه بسیار مهم واگذاری زمین به دهقانان کم درآمد و خوش نشینان روستا را بر عهده دارد هیئت هفت نفری است.

از بدو به وجود آمدن هیئت هفت نفری واگذاری و احیای زمین ایادی - امریالیسم، لیبرال ها و فئودال ها علیه آن به توطئه چینی پرداختند. در کردستان نیز گروهکهای ضد انقلابی

کومله و گروه قاسملو، در حالی که خود با فئودال ها رابطه داشتند و به نفع آنان عمل می کردند، همواره انداخته و وانمود کردند که آنها ضد فئودال هستند و جمهوری اسلامی ایران در جهت منافع فئودال ها عمل می کند. اما

با افشاکاری های نیروهای مومن به انقلاب و عملگر دگرگوهکهای ضد انقلابی، روشن گردید که اینان در جهت منافع امریالیسم امریکا و ارتجاع عمل می کنند و اقدامات دولت جمهوری اسلامی در استان های دیگر به خوبی نشان داد که تا چند آن تبلیغات گروهک های بایه بوده است.

اخیرا که هیئت واگذاری زمین در کردستان به فعالیت پرداخته، گروهک های ضد انقلابی به وحشت افتاده اند، زیرا با قطع دست فئودال ها از اراضی وسیعی توسط این هیئت، یکی از

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد: برنامه دولت، توزیع عادلانه امکانات مملکت است

نخست‌وزیر سبیس، ضمن تأکید بر اینکه باید با پیامدهای گران‌شدن بنزین مقابله کرد، گفت: «در حال حاضر ما جدا از مصرف ارتش و جبهه‌ها، روزی ۵۶ میلیون لیتر بنزین مصرف می‌کنیم که ۴ میلیون لیتر آن توسط ۳۰ هزار تاکسی و ۱۳۰ هزار وانت‌بار به نرخ ۱۰ ریال و بقیه آن به نرخ ۳۰ ریال، توسط رانندگان شخصی مصرف می‌شود».

نخست‌وزیر در قسمت دیگری از سخنان خود به کمبود روغن و مواد سوختی اشاره کرد و گفت: «تولید این محصولات به خاطر جنگ متوقف شده و ما مجبور به وارد کردن آنها شده‌ایم. این امر برای ما اشکالاتی بوجود آورده است».

آقای رجائی سبیس از طرح جیره‌بندی کالاهای دفاع کرد و آن را انقلابی خواند و گفت: «ما اگر بتوانیم سهمیه‌بندی را بطور کامل اجرا کنیم، خواهیم توانست مشت محکمی بر دهان صدام بزنیم».

نخست‌وزیر در پایان سخنان خود اظهار امیدواری کرد که پای‌بندی مردم به انقلاب باعث تحمل سختیها شود.

جلسه بعدی مجلس ساعت ۸ صبح امروز تشکیل می‌شود.

اشخاص خارجی در ایران، که توسط عده‌ای از نمایندگان تهیه شده بود، مطرح گردید، که به علت نقص قانونی، برای تکمیل طرح، مجدداً به آنان ارجاع شد.

سبیس نخست‌وزیر به سؤال فضل‌الله صلواتی در مورد دلایل گرانی بنزین و جیره‌بندی مواد غذایی و کمبود مسائل کشاورزی پاسخ داد. وی از جمله گفت:

«در مورد قیمت اجناس دولت اصرار زیاد دارد که اجناس تحت‌اختیار دولت به‌هیچ‌وجه گران نشود و برنامه دولت این است که امکانات مملکت را بطور عادلانه توزیع کند».

آقای محمدعلی رجائی سبیس، ضمن اشاره به اینکه ۳۰ ریال (قیمت کنونی بنزین) برابر با قیمت تمام شده بنزین است، گفت:

«روستائیان ما و قسمتی از شهرنشینان ماشینی ندارند. رانندگان تاکسی هم که به همان قیمت سابق بنزین می‌گیرند. قیمت گازوئیل هم فرقی نکرده. ما می‌گوییم که در کشور یک اقلیتی وجود دارد که ماشین دارند. اینها قبلاً قسمتی از پول بنزین خود را از بیت‌المال می‌گرفتند. حالاً نباید بگیرند. علاوه بر این جنگ محدودیت مصرف بوجود آورده است».

این مجلس صمیمانه و شکرگزارانه و مثل سابق مطیعانه تابع و گوش‌بفرمان نصاب ایشان است». وی سبیس در مورد حمله دکتر سجابی به دولت گفت:

«ما انتظار نداشتیم که بلافاصله پس از فرمایش ایشان (امام) خاطر دولت را متشوش کنند».

پس از تذکرات رئیس مجلس، طرح ادغام سازمان بسیج مستضعفین در سپاه پاسداران برای شور دوم مطرح شد و پس از اظهار نظرهای موافق و مخالف به تصویب نهائی رسید.

مرقصی محمودی پیشنهاد کرد که تمام گروه‌هایی که تحت نام بسیج فعالیت می‌کنند، در بسیج ادغام شوند. وی در توضیح سخنانش گفت: «در کرمانشاه گروهی هست که بسیج تشکیل داده‌اند و ارتش هم به آنها اسلحه داده، یعنی به آقای سجابی و ۵۰۰۰ قیسه اسلحه به ایشان داده شده و ایشان هم تمام قوانین منطقه، حتی نماینده مجلس سابق را دعوت کرده و به هر یک ۴۰۰-۱۵۰ قیسه اسلحه داده است».

پس از آن، نخست‌وزیر چند لایحه یک فوریتی به مجلس ارائه کرد. آنگاه طرحی در مورد ملی‌کردن سهام

جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی بریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد. در این جلسه طرح ادغام سازمان بسیج مستضعفین در سپاه پاسداران برای شور دوم مطرح و به تصویب نهائی رسید.

در آغاز این جلسه دکتر عبدالله سجابی، اولین ناطق پیش‌از دستور، ضمن سخنانی به دولت حمله کرد و آنرا به «کم‌اطلاعی از اصول صحیح مملکت‌داری» و «کم‌توانی در اداره امور مملکت» متهم ساخت.

دومین ناطق پیش از دستور، عباس عباسی، نماینده میناب بود. وی ضمن اشاره به کنفرانس سران ممالک اسلامی، به تشریح دلایل عقب‌افتادگی کشورهای اسلامی پرداخت و در بخشی از سخنانش گفت:

«چرا باید کنفرانس تشکیل شود که گردانندگان و یا اعضاء با اصطلاح مؤسّر آن دست‌پوسان یگانگان باشند؟ کنفرانس که یک جنایتکار مزدوری چون صدام در آن شرکت کند، اسلامی است؟!»

ناطق در پایان سخنانش در مورد عدم تکمیل کابینه گفت: «من خواهش می‌کنم این کابینه تکمیل شود. در کجای دنیا دیده شده است که پس از گذشت چهارماه هنوز وزیر امور خارجه تعیین نشده باشد؟ من نمی‌دانم این گروه و مشکل دست کیست؟ آیا هیئت رئیس مجلس شورای اسلامی برای حل این مشکل اقداماتی انجام داده است؟»

سبیس حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، ضمن بزرگداشت سالگرد شهادت جمعی از فدائیان اسلام، با اشاره به سخنان اخیر امام خمینی گفت: «من بعنوان مدیر مجلس قول می‌دهم که

در حاشیه ...

حمله بدولت یا دفاع از دولت؟!

دکتر سجابی، در عین حمله شدید بدولت، متذکر شد که: «ما نباید باعث تضعیف دولت شویم». این امر باعث خنده نمایندگان شد.

پیام تسلیت ...

بقیه از صفحه ۱

در گیرودار این جنگ تحمیلی، که امپریالیسم بربرمنشی آمریکا برمیین انقلابی ما روا داشته، پند دشت سرخ‌قام خوزستان، از جمله شاهد دل‌وریه‌بار جانبازی‌های کم‌نظیر فرزندان ایثارگر این مرز و بوم - جانبازان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - در مقابل توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، رژیم جنایتکار صدام حسین و ضدانقلاب دست‌پرورده آن بوده است. مردم زجر کشیده، سیور و انقلابی ما با زوری توانا و دشمن‌شکن خود را در این نهاد برآمده از انقلاب می‌بینند، که بارها و بارها مبین از بند رسته ما را از تنگنای دسیسه‌های شروانه امپریالیسم جهانی، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، نجات داده است، هر چند که همواره در این راه بهترین فرزندان خود را قربانی تعمیق انقلاب و تحکیم دستاوردهای آن کرده است.

در تاریخ ۱۶ دی ماه ۵۹، صفحه پرافتخار دیگری از حماسه آفرینی سپاهیان پاسدار انقلاب و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام ورق خورد. در این روز شهادت بیش از ۶۰ تن از این فرزندان جان‌برگف انقلاب در نبردگاه هویزه، به‌راه شهادت سربازان دل‌ورنیروهای مسلح ما در خطوط مقدم جبهه، عزم راسخ مردم ستمدیده ما را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بنحو باز نشان داد. سوگ این ازجان‌گذشتگان و سایر شهیدای قهرمان صحنه‌های نبرد، در عین حال با ایمان به پیروزی بر پاند جنایتکار صدام، برای افسانه و هواداران حزب ما و همه زحمتکشان وفادار، به انقلاب توأم بود.

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان شهادت این جانبازان مبین انقلابی‌مان را به همه مردم رنج‌دیده خوزستان، به همه برادران سپاه پاسداران

چرا حقایق را ...

بقیه از صفحه ۱

آقای مهندس سجابی، که پیجویی از حقایق اطلاع دارد و میداند که حزب توده ایران نه تنها به معتقدات مذهبی مردم و روحانیت مبارز «اهانت» نمیکرد، بلکه نهایت احترام را برای آن قائل بود و هست و میکوشید و میکوشد که نیروهای انقلابی، از جمله روحانیت مبارز را در مقابل با توطئه‌های امپریالیسم و دربار متحدسازده، آقای مهندس سجابی که پیجویی میداند، آن کسانی به نام حزب توده ایران به روحانیت مبارز و مذهب توهین می‌کردند که تنها قصد بدنام کردن حزب توده ایران و ایجاد تفرقه میان صفوف مردم را داشتند و خود با تمام قوا در تدارک توطئه‌های خطرناک علیه جنبش انقلابی ایران بودند، چرا حقایق را واژگونه جلوه میدهند؟ آیا این عمل با اخلاق اسلامی، انطباق دارد؟

انقلاب، به همه دانشجویان مسلمان و قهرمان‌پیر و خط امام، به سایر نهادهای انقلاب و همه وفاداران به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و همه خانواده‌های محترم شهید، تسلیت می‌گوید و اطمینان کامل دارد که انقلاب ایران با داشتن بازوان پرتوانی همچون سپاه پاسداران انقلاب و سایر نهادهای انقلابی و مردمی، با ایمان و عزم آهنین انقلابی در برابر تمام تلاشهای سپاه امپریالیسم و صهیونیسم، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و مزدوران و اقمار آن در منطقه، استوار و خلل‌ناپذیر خواهد ماند و با اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست و مردمی مبین انقلابی ما و تجهیز کامل و همه‌جانبه سپاه پاسداران انقلاب و نیروهای مسلح و بسیج مردمی زیر رهبری قاطع امام خمینی در جاده بدون بازگشت پیروزی پیش خواهد رفت.

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان
۵۹/۱۰/۲۴

خطری که ...

بقیه از صفحه ۱

سدمات جدی مواجه سازد. اقرار جمید جرایمی در معرض دادگاه انقلاب کاملاً روشن ساخت که سازمان جاسوسی «سیا» از فرصت اقامت او در آمریکا استفاده کرده، با او یونودن برقرار ساخته و او عهد سیرده است که در ایران نیز، این یونود را همچنان حفظ نماید و برای سازمان جاسوسی آمریکا، جاسوسی کند. آیا نمونه حمیدجرایمی منحصر به فرد است؟ نباید حداقل این «گمان» را محتمل دانست که حمیدجرایمی یکی نیست، بلکه ده‌هاست و از میان صد هزار دانشجوی ایرانی مقیم آمریکا در دوران طاغوت، با احتمال زیاد، عده‌ای از آنان مورد توجه «سیا» قرار گرفته، با آنان تماس برقرار شده و برای جاسوسی به ایران فرستاده شده‌اند و یا فرستاده خواهند شد؟ این «احتمال» نباید چشم و گوش مقامات مسئول را بکشاید، تا حداقل در گزینش مقامات بالائی نیروهای مسلح، وزارتخانه‌ها و نهادهای حفاظتی و امنیتی، تا حساسی را نشان دهند؟ نباید نمونه‌هایی نظیر امیرانتظام، تریه، مقدم، مراغه‌ای، علوی، نیک‌خلق، مهدیون و محقق‌ما را بیدار کند که دشمن به شیوه‌ای ظریف و نامرئی مهربان‌های خود را پیش میراند، تا در لحظه مناسب، انقلاب را «دکیش و مات» کند؟ نباید عملکردها تا این لحظه امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا، و ایادی داخلی آن در این زمینه، برای آینده هشدار باشند و زنگ خطری که به صدآدرآمده، ما را متوجه توطئه‌هایی کند که امپریالیسم آمریکایی برای پوساندن و قلج کردن انقلاب ما از درون، طرح ریخته است؟ اگر روزی که استاد جاسوسی امیرانتظام از جاسوسخانه بدست آمد، این مسئله از سوی مقامات قضائی انقلاب پیگیری شده بود، چه‌بسا به‌ریشه‌ها دست یافته بودیم که منظره عملکرد امپریالیسم آمریکا را در این عرصه روشن‌تر در برابر دیدگان ما قرار میداد و حمیدجرایمی‌ها مدت‌پیش برکنار

توجه!

مقالات زیر، که در روزهای گذشته در نامه «مردم» انتشار یافت، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود:

• گفتگوی با سازمان مجاهدین خلق ایران (شماره ۴۲۰)

• درباره تناسب نیروها در عرصه جهانی (شماره ۴۲۱)

جنگ میان ...

بقیه از صفحه ۱

یکدستگاه تانکر سوخت دشمن منهدم شده است. در منطقه دهلران دلاوران ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران یکدستگاه آمبولانس مجرب به بیمارستان سیار و یکدستگاه تانکر سوخت دشمن را بنیست گرفتند.

۶- نیروهای متجاوز عراقی روز گذشته شهرستان گیلانغرب را با توپخانه زیر آتش قرار دادند و خساراتی بی‌ار آوردند. جانبازان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نیز مناطق المعامر، ام‌الرصاص، سیحان و کوت‌الزین عراق را زیر آتش دشمن‌سوز خود قرار دادند و تلفات و خسارات بسیاری بر دشمنان اسلام وارد کردند.

در پاسخ، دلاوران رزمنده ارتش اسلام موفق شدند ۴ دستگاه تانک، ۳ عراده توپ، یک انبار مهمات، ۲ قیسه خمپاره‌انداز، یکدستگاه خودرو و ۷ سنگر دشمن را منهدم و حدود ۶۰ نفر از افراد ارتش عراق را کشتند و زخمی کنند. در این جبهه‌ها یک نفر از پرسنل ارتش اسلام شهید و ۹ نفر مجروح شدند. ۵- در مناطق عین‌خوش، کرخه‌کور و شوش، نبرد بین رزمندگان دایر ارتش اسلام و نیروهای متجاوز عراقی ادامه داشته است، که در نتیجه یک دستگاه خودرو حامل نفرت و

و محاکمه میشدند و یکسال دیگر فرصت جاسوسی و تبهکاری و خیانت به وطن و انقلاب نمی‌یافتند. این تسامح باید حداقل برای امروزان درس عبرت و آموزنده باشد، باید بدون تزلزل و تردید و تاخیر هیئت‌هایی با اختیارات کافی مأمور بررسی سوابق کلیه کسانی شوند، که در مقامات بالائی نیروهای مسلح، وزارتخانه‌ها، ادارات و نهادهای انقلابی انجام وظیفه میکنند. باید با دقتی وسواس‌مانند، به بنییم و بسنجیم که اینان که بوده‌اند؟ از کجا آمده‌اند؟ و در گذشته چه کرده‌اند؟ نباید بی‌بهره و تظاهر پدیدداری، عضویت در انجمن‌های اسلامی خارج از کشور و انقلابی‌نمایی و دوستی و آشنائی با این یا آن عنصر مبارز و ضد طاغوت، ملاک و معیار قضاوت معوده‌ای که به کیفی انقلابی رسیدند، اکثریت‌شان هم‌اکنون در خارج از کشور زیر پرچم امپریالیسم به توطئه علیه انقلاب مشغولند، تا کی انقلاب گریبان‌شان را بگیرد، گروه‌های دیگری وجود دارند که کارگزاران مخفی امپریالیسم‌اند و برای چنین روزهایی ذخیره شده‌اند. باید به لانه این مارهای خطرناک دست یافت و قبل از آنکه زهرشان را بریزند، سرشان را کوفت.

تجربه دوران پس از پیروزی انقلاب به ما آموخته است که تاخیر و تعلل دریا کسب‌واقعی، چه لطافات جبران‌ناپذیری به انقلاب وارد ساخته است. باقی- گذاردن وفاداران و کارگزاران رژیم پیشین، ساواکی‌ها و طاغوتی‌ها در نیروهای مسلح، در ادارات دولتی و در بخش خصوصی زنجیره‌ای از ناسامانیها و آشفتگی‌ها و خرابکاریها و کار- شکنی‌ها پدید آورد، که هنوز قادر به جبران آن نشده‌ایم. اشتغال کارگزاران رزم‌دوران امپریالیسم خطر بمزاتب بزرگتری را متوجه دستاوردهای انقلاب میسازد، که باید بدون تاخیر با آن مبارزه کرد و این آفت را از پیکر انقلاب زدود. هرگونه مسامحه‌ای در این امر، انقلاب را با خطرات جدی روبرو خواهد ساخت.

ضد انقلاب هنوز در مدارس فعال است

ضد انقلاب، هنوز امید ایجاد آشوب در مدارس را از دست نداده است. با آنکه توطئه به تعطیل کشاندن مدارس، هربار با شکست مواجه شده، ولی ادامه ناآرامی در برخی از مدارس کشور، نشان میدهد که توطئه گران از اجرای نقشه های پلید خویش، کاملاً دست نسته اند. دعوت گروهک های امریکائی «رنجبر» و «بیکار» و «رزمندگان» و «راه کارگر» از «دانش آموزان انقلابی» برای شرکت در تظاهرات روز ۲۳ دی، بمنظور ایجاد آشوب و رو در رویی، هم در سطح جامعه و هم در مراکز آموزشی، برهان دیگری است که امپریالیسم امریکا و کارگزاران ضد انقلابی آن، محیط مدارس را کانون مناسبی برای وسیله های خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، تشخیص داده اند.

دشمن، بسرکردگی امپریالیسم امریکاء، دریافته است که با به آشوب کشاندن مدارس و تعطیل آنها، میتواند جو اغتشاش را به سراسر جامعه تسری دهد. هم اکنون ۹ میلیون دانش آموز دختر و پسر در دبستانها و دبیرستانهای کشور، به تحصیل اشتغال دارند. ایجاد فضای هرج و مرج و درگیری در مدارس، میتواند جو نارضایتی را به خانواده های سراسر کشور و از آنجا به سراسر عرصه های کار و فعالیت اجتماعی، که پدران و مادران و خویشاوندان در آن شاغلند، سرایت دهد. بدینجهت است که می بینیم امپریالیسم امریکاء، مدارس را یکی از مهمترین مراکز فعالیت ضد انقلابی خود قرار داده است.

خوشبختانه پیام های صائب امام خمینی در لحظات خطیر و حساس، و هشایز اکثریت مطلق پدران و مادران و دانش آموزان و اولیاء مدارس، تاکنون توانسته است، این نقشه امپریالیسم امریکاء را عقیم گذارد. اما ادامه

توطئه های امریکا علیه انقلاب ایران، که یکی از زمینه سازیهای آن باید در مدارس صورت گیرد، مانع از آن شده که جو آرامش در مدارس سراسر کشور غالب گردد.

دانش آموزان. انقلابی دبیرستان دخترانه پاسداران (خوارزمی سابق) در نامه شکوائیه خود به روزنامه جمهوری اسلامی (۲۱ دی ۵۹) از فعالیت ضد انقلاب در مدرسه پرده برداشته اند که «قوانین و مقررات مدرسه را زیر پا نهاده» و «محیط مدرسه را به میدانی برای فعالیت علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل کرده است».

دانش آموزان بدرستی نوشته اند: «این نمونه ها بخشی از یک توطئه تنظیم است که علیه نظام جمهوری اسلامی طرح ریزی شده است و امروز این توطئه گریبانگیر مدارس شده است.»

نمونه دیگر، تظاهرات مداوم اعضاء يك گروه سیاسی در برابر این یا آن مدرسه است، تا مانع از درس خواندن دانش آموزان شوند و آنها را به پیوستن بخود تشویق کنند. نردمین گروه از تظاهر کنندگان است که مادر یکی از دانش آموزان، کیف حامل چاقو و پنجه بکس یافته است!

در ایجاد ناآرامی ها، افراد طاغوتی، ساواکی، مبلغان و مروجان کیش «آریامبری» در نظام پیشین، که به حق در دوران انقلاب بسیاری از آنها از محیط های آموزشی پاکسازی شده و یا متاسفانه برخی از آنها هنوز پست های خود را حفظ کرده اند، نقش اساسی ایفا میکنند. آنها هستند که برخی از دانش آموزان ناآگاه را به گروه گرائی تشویق میکنند و رو در روی سایر دانش آموزان و اولیاء مدارس قرار می دهند؛ آنها هستند که از کمبودها و نقائص، که بخش اعظم آن همزاد و همراه هر انقلابی است، پرچم درست میکنند و به ضدیت با نظام جمهوری اسلامی برمیخیزند؛ آنها هستند که میان نهادهای انقلابی در مدارس ایجاد اختلاف میکنند و آنها را در برابر هم قرار میدهند، تا پیشرفت کارها را ترمز کنند، و از اینبجه ناسامانی که خود ایجاد کرده اند، به زبان جمهوری اسلامی بهره برداری کنند.

یکی از عوامل مهم اعاده آرامش به مدارس، پاکسازی براساس معیارها و ضوابط انقلابی است. باید با بازبینی فوری و دقیق، پیشینه کلیه عناصر ساواکی، مشکوک و مظنون، که با ریاکاری و تظاهر به دینداری، توانسته اند بر سر پست های خود بمانند، محیط آموزشی را از لوث وجود این افراد، تطهیر کرد، تا دستهای ضد انقلاب نتواند در میان کودکان و

نوجوانان معصوم ما فتنه انگیزد. آن گروه از معلمان، دبیران و کارکنان مومن به انقلاب، که فدای غرض ورزیها و پیش داوری ها شده و، به گفته آقای دکتر باهنر وزیر آموزش و پرورش، بی جهت پاکسازی شده اند، باید به خدمت بازگردند، تا ایمان شان به انقلاب، چراغ راه کودکان و نوجوانان ما قرار گیرد و این ارواح پاک را از لغزش بازدارد و ثمره کارشان در تحکیم و تثبیت انقلاب موثر افتد.

در عین حال باید کوشید که آن قسمت از نقائص و کمبودها، که در شرایط مشخص کنونی، علیرغم دشواریهای ناشی از جنگ و محاصره اقتصادی کشور، اجتناب پذیر است، به سرعت رفع شود و بهانه بدست ضد انقلاب ندهد.

میتوان تمام عناصر انقلابی صالح را، چه در میان پاکسازی شدگان، چه در بین آوارگان جنگ و چه در صف دانشجویان و استادان و کارکنان موسسات آموزش عالی، به خدمت گرفت و با استفاده از نیروی کار و خلاقیت آنان در تهیه کتابهای درسی، در کرسی آموزش، در برنامه ریزیها و غیره، بخشی از کمبودها را جبران کرد.

باید تدبیر و درایت انقلابی کارکنان مدارس، موجب ایجاد هماهنگی میان نهادها در محیط آموزشی شود و بجای آنکه انجمن های دانش آموزی، امور تربیتی و انجمن خانه و مدرسه در برابر هم قرار گیرند، دست در دست هم برای رفع نارسائیه و تسریع در پیش برد امور تلاش ورزند.

تنها از این راه است که میتوان فعالیت ضد انقلاب را در مدارس عقیم گذارد و توطئه های امپریالیسم امریکاء را درهم شکست.

پیشرفت های خلق کامپوجیا در زمینه بهداشتی

وزیر بهداشتی کامپوجیا گفت: خلق کامپوجیا دو سال پس از سرفکونی دارودسته خون آشام پلپت - نیک ساری در زمینه بهداشتی پیروزیهای چشمگیری بدست آورده است. وی گفت: در رژیم جنایتکار پلپت-نیک ساری علاوه بر اینکه سه میلیون تن قتل عام شدند، میلیونها تن بر اثر شکنجه و فشار طاقت فرسا در وضعیت جسمانی اسفباری بسر می بردند و بیمارستانها و کلینیکها نابود شده بود. وزیر بهداشتی کامپوجیا اضافه کرد: بعد از پیروزی انقلاب در ژانویه ۱۹۷۹، همه چیز از ابتدا شروع شد. در سال اول سه بیمارستان در پنومین و ۱۸ بیمارستان در استانهای دیگر ایجاد شد. این پیروزی در اثر کمکهای بی شائبه پزشکان و کارشناسان ویتنامی و دیگر کشورهای سوسیالیستی امکان پذیر شد. در سال ۱۹۸۰ نیز ۸ بیمارستان جدید در پنومین و صد بیمارستان و کلینیک در ایالات دیگر ایجاد شد.

وزیر بهداشتی کامپوجیا گفت: تمام کشورهای سوسیالیستی بویژه ویتنام و اتحاد شوروی، کمکهای بهداشتی بسیار پر ارزشی در اختیار خلق کامپوجیا قرار داده اند.

کنگره ملی آفریقا، از پیشنهاد صلح لئونید برژنف حمایت کرده

کنگره ملی آفریقا (سازمان مبارز آفریقای جنوبی) از پیشنهاد لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، برای صلح و امنیت در خلیج فارس حمایت کرد. دبیر کل کنگره ملی آفریقا اعلام کرد: «امپریالیسم امریکاء با هیاو و چنجال درباره خطر موهوم شوروی، تلاش دارد افزایش حضور نظامی خود را در منطقه، توجیه کند، وی اضافه کرد: «اما هدف واقعی امپریالیسم امریکاء، از حضور در منطقه، سرکوب جنبش رهاییبخش در آفریقا و نیز در خلیج فارس است.»

امریکایونان را به انبار اتمی ناتو تبدیل کرده است

آندره آسپاندرئو، رهبر حزب سوسیالیست پان هلنیک یونان اعلام کرد: هیئت حاکمه کشور، مسئله استقرار سلاحهای هسته ای امریکاء در یونان را از مردم پنهان می کند. پاندرئو گفت: سلاحهای هسته ای امریکاء همچنین در چند کشور دیگر ناتو از جمله

در پرتغال، آلمان غربی و ایتالیا انبار شده است. انبار شدن این سلاحها در یونان امنیت مردم این کشور را جدا در معرض خطر قرار داده است. وی یادآور شد امریکاء تنها می خواهد حضور نظامی خود را در یونان دائمی کند بلکه در عین حال قصد دارد از سلاحهای انباشته

شده در یونان در ماجراجوییهای فراتر از چارچوب پیمان نظامی ناتو استفاده کند. پاندرئو اضافه کرد: امریکاء موشکهای ویژه حمل سلاحهای اتمی نیز در یونان مستقر کرده است. وی گفت تمام این مسائل باید نزد مردم افشاء شود.

چین در پاکستان پایگاه دریایی ایجاد می کند

خبرگزاری پرس تراست آو - ایندیا، اعلام کرد که در ماههای اخیر ملاقاتهای هیئت های نظامی چینی و پاکستانی از کشورهای یکدیگر افزایش یافته است. این امر نشان دهنده گسترش همکاری - های نظامی پکن با رژیم دست نشانده ضیاع الحق است. در پی دیدار یک هیئت نظامی چینی به ریاست کفیل فرمانده نیروی دریایی چین از پاکستان، یک هیئت نظامی پاکستانی بریاست

ژنرال بازنشسته رحیم خان از پکن دیدن کرده است. مذاکرات در پکن و کراچی این حس را قوت بخشیده است که چین یک پایگاه دریایی در نزدیکی کراچی ایجاد می کند.



با پایان یافتن ششمین برنامه پنجساله: خلق مغولستان گام مهمی در راه گسترش پایه مادی و فنی سوسیالیسم برداشته

پایان یافتن موفقیت آمیز ششمین برنامه پنجساله عمرانی جمهوری توده ای مغولستان، گام مهمی در راه گسترش پایه مادی و فنی سوسیالیسم و ارتقاء سطح فرهنگ مردم این کشور به شمار میرود. در جریان این برنامه، درآمد ملی کشور ۳۰۹ درصد و محصول ناخالص اجتماعی، ۳۴۷ درصد افزایش یافت. ۷۰ درصد افزایش خالص درآمد ملی، ناشی از افزایش بهره وری کار بوده است. حجم سرمایه گذاری در اقتصاد ملی به ۱۵ میلیارد «توگر مکز» (واحد پول مغولستان) و یا ۴۵۰۰ میلیون دلار رسید.

توسعه صنعت سوسیالیستی در اقتصاد، همواره در حال افزایش است. تولید صنعتی در این مدت، ۱۲۵ برابر نسبت به دوره پنجساله پیشین افزایش یافته است. صنایع سوخت، برق، معدن، صنایع سبک و ساختمانی سرعت توسعه یافته است. تولید سوسیالیستی اکنون ۷۶ درصد کل تولیدات در صنعت و کشاورزی را شامل می شود. دهها بنگاه صنعتی، که برای اقتصاد ملی اهمیت اساسی دارد، با کمک اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ساخته شد و علیرغم شرایط نامساعد جوی، تولیدات کشاورزی، به طور متوسط، سالیانه ۶۳ درصد افزایش یافت. شمار زیادی تراکتور و دیگر ماشین آلات کشاورزی نیز در اختیار کشاورزان قرار گرفت. اکنون در جمهوری توده ای مغولستان، در پایان ششمین برنامه پنجساله، درآمد واقعی کارگران و کارمندان ۵ درصد، افزایش یافته است.

با حمایت امریکا و چین تایلند مداخله مسلحانه خود علیه کامپوجیا را افزایش می دهد

محافل حاکمه تایلند، در روزهای اخیر تحرکات خود را علیه انقلاب کامپوجیا، افزایش داده اند. به گزارش خیرگزاری کامپوجیا، در یک هفته اخیر نیروهای تایلندی به بیش از صد تحریک مسلحانه در مرز کامپوجیا دست زده اند. ناظران سیاسی در منطقه عقیده دارند، افزایش تحرکات رژیم دست نشانده تایلند علیه کامپوجیا با دوستی و «آشتی» روزافزون امپریالیسم امریکاء و برتری طلبان پکن ارتباط کاملی دارد. در واقع سال پیش، مقامهای امریکایی در مذاکرات خود با رهبران پکن در مورد تشدید فعالیت خرابکارانه علیه انقلاب کامپوجیا، به توافق کامل رسیدند.

نامه مرموم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه «مردم»
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست)

**NAMEH
MARDOM**

No. 423
19 January 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۴۱/۳۵۵۱، منطقه
۱۴ پستی تهران

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق